

پ ۱۱۷ ب

۱۸

۲۹  
۹

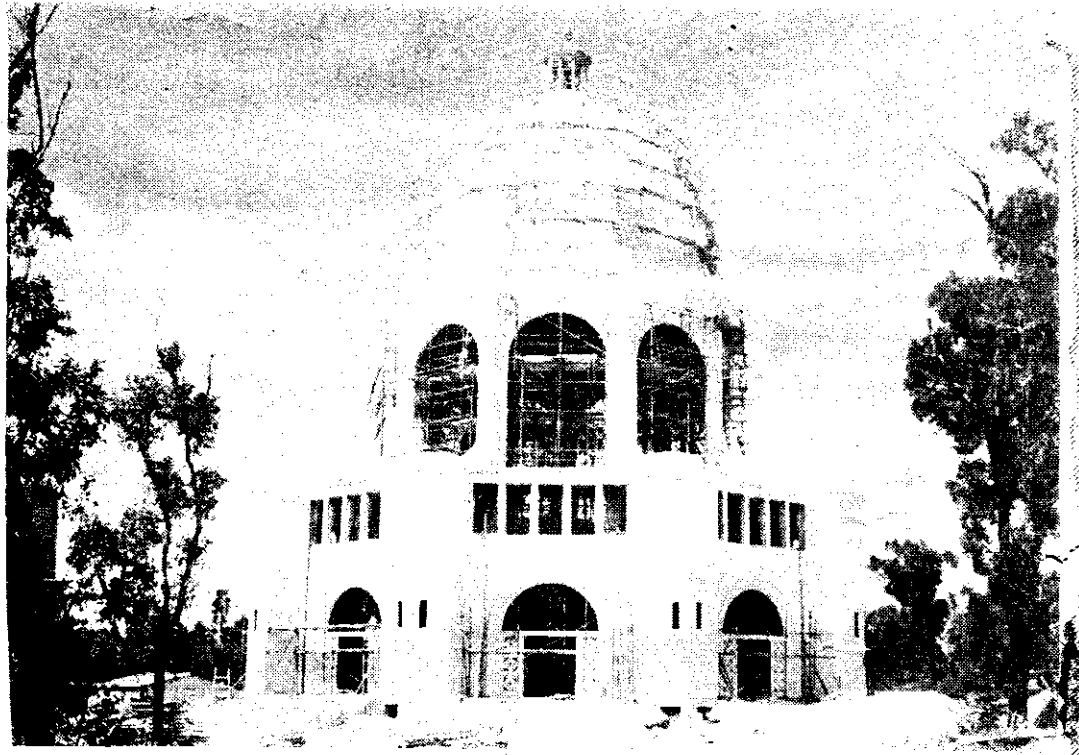


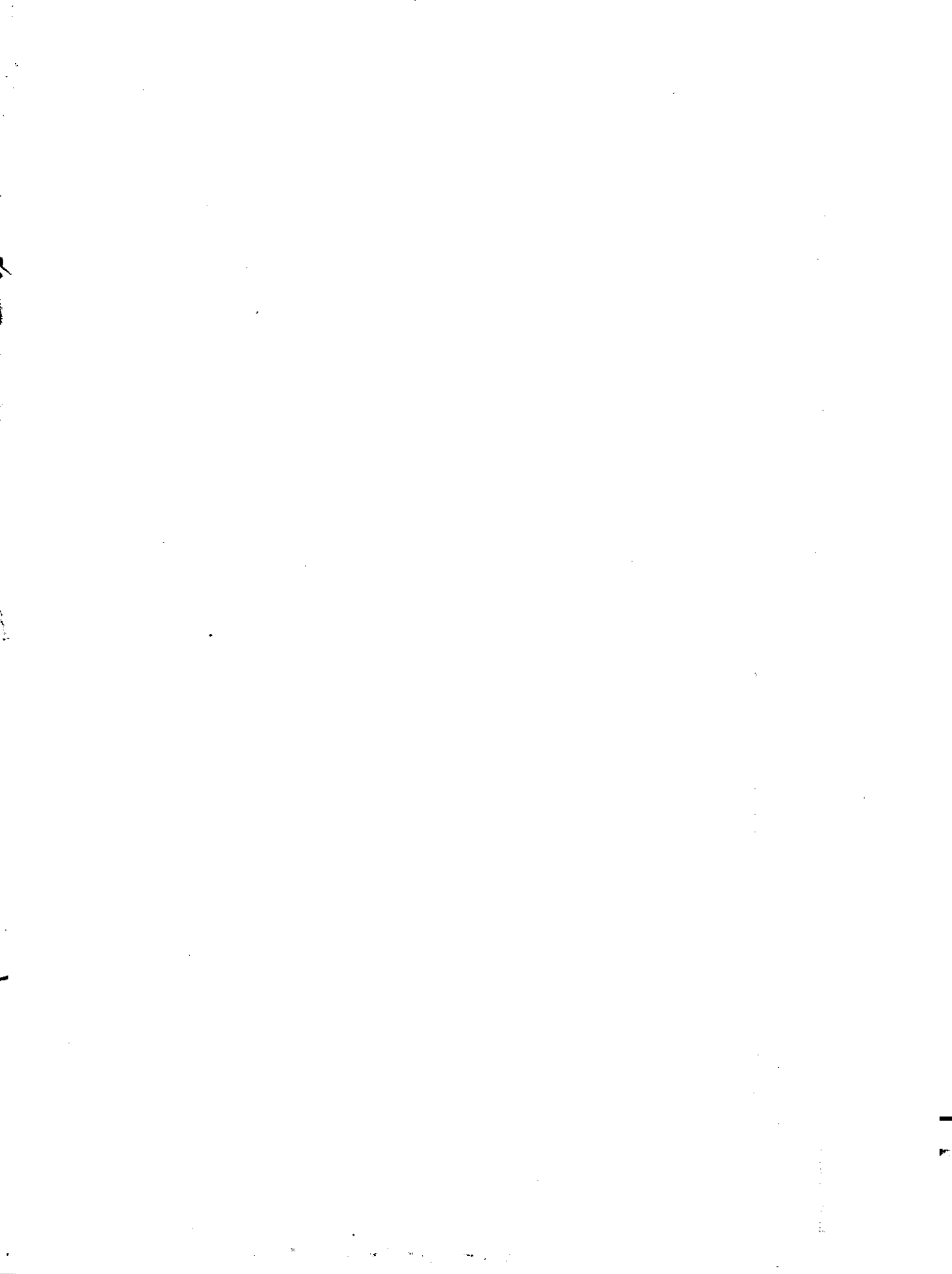
۳۹

مقامات خورشید

در محبت دین داران

۱۵





اجرای این کتاب باید بر طبق اصول و مقررات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه باشد

حضرت عبدالبهاء

# آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

سال نهم شماره ششم ۱۳۳۹

شهر الاسما - شهر العرة ۱۱۷ - شهریور ۱۳۳۹

شماره ششم

صفحه	فهرست مطالب
۱۴۰	۱ - لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
۱۴۱	۲ - مقصد از خدمت بامرالله محمود مجذوب
۱۴۴	۳ - چگونه بنویسم احمد یزدانی
۱۴۷	۴ - مد نیت حقیقی غلامرضا روحانی
۱۴۸	۵ - وحدت عالم انسانی محمود مجذوب
۱۵۲	۶ - نفوذ امر در فرانسه دکترعلیمحمد بر افروخته
۱۵۷	۷ - شعر اقدس شیرازی
۱۵۸	۸ - سخنی چند با ارباب علم و هنر دکتریا هرفرقانی
۱۶۳	۹ - خاطرات سفر شمال روح اله مهرباخانی
۱۶۸	۱۰ - برهان واضح ع - صادقیان
۱۷۰	۱۱ - آهنگ بدیع و خوانندگان

روی جلد : ام المعابد استرالیا

شرح عکس های این شماره

ممن : ۱ - کاننشن محلی جوانان بهائی قسمت

۲ - سیزدهمین کاننشن جوانان بهائی آذربایجان / امری کرمانشاه در ۱۱۷ بدیع

ای یاران الهی و اما، رحمانی نام مبارک محبوب بیست جمال البهی را در منتهای جذب و وله بیاد آرید  
 و زبان گشایند تا ساحت دل از زنده آب و گل شیره و مقدس شود و روحانیت کبری جسد به نماید  
 آیات توحید اشراق کند و فیض جدید نازل گردد و نماید شدید حاصل شود .

نام او درمان هر دردی است و حرارت بخش هر سردی ، در یاق اعظم است و طلسم اکرم .  
 زندگی دو جهانست و نجات دهنده گمراهان . الیوم این اسم مقدس حرز عالمیان است و  
 پناه آدمیان . نعمه الهیست و زنده رحمانی . پس ای یاران و فاعله یا بخت ارباب البهی بر آرید  
 و ای طالبان جمال کبریا با فخر اعلیٰ توجه کنید . و می نیاساید و نفسی بزنیارید مگر محبت او و محبت  
 او و ترویج آیات او و اثبات تینات او . اینست مغایس نماید اینست قوه جاذبه توفیق .

## مقصود از خدمت بامرالله

محمود محمدوب

شب و روز آرام نگیرید و راحت

نچوئیدراز عبودیت گوئید

وراه خدمت پوئید تا

به تائیدمعود از

ملکوت احدیت موفقی

گردید

(حضرت عبدالبهاء

یکصد و هفده سال

پیش که افق عالم را ابر

غای تیره اوهام و خرافات

و کینه و تعصبات فرا گرفته

بود غروب یکی از روزها درکنار

شهر مقدس شیراز دوجوان حبیب

و محبوب در نهایت سادگی و صفاوندون قرار

قبلی با یکدیگر ملاقات نمودند و پس از لحظه ای

چندی یکی از آن دو جوان که اصلا شیرازی

بود جوان دیگر را که در آن شهر غریب می

نمود بمنزل خود دعوت نمود. آن دو جوان

در کنار هم بمنزلی ساده و محقر که در یکی

از کوچه های قدیمی شهر شیراز قرار داشت

وارد شدند و پس از تعارفات معموله باب

مکالمه را گشودند. حتما خوانندگان عزیز

که با تاریخ مشتمع امرالله انس و آشنائی

دارند این دوجوان را میشناسند بلی یکی

از آنان طلعت علی اعلی بودند و دیگری جناب

باب البسب اول من آمن امراللهی. آن

شب بظاهر با دیگر شبها فرقی نداشت و مردم

مدینه طایفه شیراز طبق معمول بکسب و کار

مشغول و یا در منازل خود آسوده بودند

و اهل عالم نیز در دریای بی خبری و جهل

از حقایق روحانی و تعصبات جاهلانه غوطه

میخوردند و کسی نمیدانست که در آن منزل

بظاهر کوچک چه میگذرد ولی بنا به مشیت

الهی مقدر چنین بود

که در آن شب بزرگ و -

تاریخی با اظهار امرطلعت

اعلی اساس مدنیتی عظیم و

روحانی بکمال آراهی ریخته شود

تا باآمال پیشینیان جامه عمل

پوشد و عالم انسانی را از غرقاب بدبختی و فَلَاکت

به ساحل رفاه و سعادت رهنمون گردد. آن شب

همان لیلہ مبارک پنجم جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰

هجری بود. از آن بعد عالم انسانی شاهد

داستانهایی از عشق و شیدائی میشود و صحنه

هایی از دلپاختگی و محبت بمحبوب حقیقی را ملاحظه

میکند که بی شک بر صفحات تاریخ بشریت نقش

ابدی خواهد بست. تاریخ امرعز اعلی الهی

در این دور مبارک مشحون از شیفتگی های عشق

و سرگشتگی های دلدادگی است و از لابلای هر

صفحه از صفحات این تاریخ جاویدان تیافته

عاشقی پاک باخته که از همه عالم گسسته و عشق

مشغول ازلی پیوسته است در نظارتان مجسم میشود

که بزبان حال داستانی از شوریدگی های عشق

حقیقی را بازگو میکند و باین شعر مترنم است که:

با دو عالم عشق را بیگانگی

واندر او هفتاد و دو دیوانگی

در صفحات اول این داستان عشق چهره

ملکوتی و معصوم طلعت اعلی بچشم میخورد که

در راه محبت یار همه چیز خود را نثار میکند و

## آهنسنگ بدیع

مدت قریب شش سال مسجون میشود و تحمل بلا میکند و انزال آیات و بینات میفرماید و در آثار خود با سوز و گداز آرزوی فدا شدن در سبیل ولای - محشوق حقیقی مینماید و بالاخره با آرزوی دل و جان رسیده بکمال میل و رضا و استقامت و شجاعت سینه مطهر و آکنده از عشق و محبت خود را هدیه گلوله های بیشمار میفرماید و جان در ره جانان میبازد و سپس بدن بال روح عالی و با عظمت خود که حامل امانت الهی است گروهی از عاشقان دل از دست رفته را بمیدان قربانی و فدا میکشاند و با خون مقدس آنان شجره مبارک امرالله را آبیاری میکند و نمو میبخشد . در این اثناء محشوق و مقصود طلعت اعلی و موعود جمیع انبیاء و اولیاء نقاب از چهره برمیگرد و رب الجنود موعود تجلی میکند و پدر آسمانی باده وصل و لقاء عطا میفرماید و مظهر کلی الهی موعود جمیع ادیان بر عرش ظهور مستقر میشود و بوم الله و بوم الملکوت فرامیرسد و داستان عشق و عاشقی را از سر میگیرد و عاشقان کوشش را به این ندای الهی مخاطب میکند که :

گر خیال جان همی هستت بدل اینجامیا  
ورنثار جان و دل داری بیا و هم بیار  
رسم ره اینست گروصل بهاء داری طلب  
گر نباشی مرد این ره دور شو ز حمت میار  
آن مبعود حقیقی بر امر الهی قیام میکند  
و مدت چهل سال زهر هر بلا بی چشود و خود را بدست اعدای سپارد و تحمل صدمات دشمنان و جفای حسودان میفرماید و تا آخر ایام سر بسر بالین راحت نمی نهد و بریستر امنی نمی آرمند و همواره سرگون بلاد میشود و حیات مبارک خود را وقف تاسیس صلح و سلام در بین کافه انام میفرماید و بالاخره شمس جمالش در زندان عکا مسجوناً غروب میکند و روح مقدسش بعالم راز پرواز میکند . چه سینه ها که بمحبتش چاک

میشود و چه سرها که در راهش زینت ستان میگردد و چه خانمانها که بولایش برباد میروند و چه خونهای پاک که در سبیل عشقش بخاک میریزد و چه مقدار نفوس که با قدم استقامت و انقطاع بمیدان خدمت و عبودیتش میشتابند و پروانسموار گرد شمع حقیقتش بال و پر میزنند و برسوخسته جان در رهش نثار میکنند . این داستان عشق و شیدائی بهمین جا خاتمه نمی یابد بلکه پس از غیبت عنصری کسبه اهل وفا جمال اقدس - ابی صحنه ها تجدید میشود و خیل عاشقان بی پروا از شمال و جان در ره محبت جانان می گذرند و در هر رهگذر کوس عشق و رسوائی می زنند . حضرت مولی الوری بعبودیت کبری و مظلومیت عظمی قیام میکند و درسی ابدی و فراموش نشدنی از خدمت و عبودیت و انسانیت و محبت بی شائبه بابناء بشر میدهد و نقد عمر را از بدایت صباوت تا نفس اخیر وقف عبودیت آستان جمال قدم و خدمت با اهل عالم میفرماید جز عبدالبهاء لقی و ستمی و عنوانی قبول نمی فرماید و با وجود عنایات موفوره قلم اعلی در حق حضرتش خود را خادم احباب و غبار راه مجاهدین فی سبیل الله میخواند و بکنی از عبودیت و محبوبت شایسته میکند که تا آخر دور بهائی همه خادمین آستان الهی باید شاگرد این مکتب باشند و بمنزل اعلای این امر اعز اعلی تاسی نمایند .

با صعود آن مظهر عبودیت عصر رسولی خاتمه مییابد و حضرت شوق ربانی غصن ممتاز دوحه بقا در عنقوان جوانی و ریمان شباب - بنا بمشیت الهی ناخدای سفینه امرالله و حارس و حامی اهل بهاء و حامل امانت الهی میشود و مدت ۳۶ سال دی نمی آرمند و نفسی به راحت بر نمی کشد و از تمام نشانی میگذرد تا نوایای محبوب دل و جان و مولای خون خود

را بمنصه ظهور رساند و چون شمع میسوزد تما  
روشنی با آفاق بخشد .

داستان عشق و شیدائی و جانبازی و فدا  
کاری که باینجا میرسد از خود میپرسیم منظور  
از تحمل اینهمه بلایا و صدمات و استقامتها و شور  
و مستیها چه بوده و این پروانگان شمع حقیقت  
چرا بی قرار سوخته اند و آواز نداده اند ؟ .

آیا مقصد جمال مقصود و شیفتگان روش تاسیس  
ریاست و سلطنت و هزرت ظاهره در این عالم بوده  
و یانیل با میال و آرزوهای دنیوی ؟

خوشبختانه در آثار والواح مبارکه قلم اعلی  
و تبیینات مرکز میناق جواب این سئوال مصرح  
است و براهنمائی مخصوص مبارکه ما میدانیم که مقصد  
از انزال آیات و تحمل زحمات و مشقات شارع قدیر  
و جانبازیهای دلیرانه عاشقان صادق روش -  
استقرار وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی و  
تاسیس صلح اعظم و ملکوت الهی در این کره خاکی  
و وصول افراد بشر بمرحله بلوغ و کمال بوده است .  
در آخرین رنه ملکوتی جمال قدم جل اسمه الاعظم  
یعنی کتاب مستطاب عهدی این کلمات مبارکه  
را زیارت میکنیم و مقصد آن مچی ام و منجی ام  
را در پی یابیم قوله تعالی " مقصود این مظلوم  
از حل شدائد و بلایا و انزال آیات و اظهارینات  
اخماد نار ضغینه و بغض بوده که شاید آفاق افنده  
اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش -  
حقیقی فائز ... "

بنابراین هدف موسس عظیم الشان شریعت  
غرای بهائی از حمل بلایا و رزایا و انزال آیات و اظهار  
بینات روشن و مقصد سالکین سبیل حب و وفا  
نیز که جز رضای معشوق مقصودی ندارند از فدا  
کاریها و استقامت ها و بذلجاهدات معلوم است .  
امروز نیز که قریب سه سال از غیبت عنصری ولی  
عزیز الهی میگذرد جمهور اهل بها و راکبین  
سفینه حمراء در سراسر دنیا آرزوی جز وصول

با اهداف عالیه این آئین دلنشین که یگانسه  
ملجاء و پناه و تنها راه نجات اهل عالم است -  
ندارند و اگر در سبیل هجرت سرگشته بلاد و آوار  
دیار میشوند و یا در طریق تبلیغ امرالله و خدما  
اداری قدم بر میدارند و یا از نذل درهم و دینار  
مضایقه نمی کنند همه این آرزو را در دل میپروانند  
که هرچه زودتر شاهد آمال اهل بها در  
عالم انشاء جلوه و سطوع نماید و مدنیت روحانی  
و عمومی <sup>امرجهان آری</sup> در سبیل مستقر شود و عالم -  
بشریت از قید اوهام و خرافات و تعصبات و اختلافات  
رها شود و بمرحله بلوغ برسد .

پس بندگان درگاه جمال قدم بخصوص -  
جوانان عزیز بهائی که تازه قدم بمیدان عبودیت  
و خدمت باستان الهی میگذارند باید در هر  
قدم متوجه باشند که این خدمات و فعالیتها  
و این تشکیلات و تاسیسات تنها هدف اهل بها  
نیست بلکه نظم اداری بهائی و تشکیلات مختلفه  
محل ملی و بین المللی و کلیه اقدامات و مجهودات  
ستایندگان اسم اعظم و سائلی هستنبرای وصول به  
هنگام عالی و مقدس این ظهور مبارک که بید قدرت  
در این عالم برای تاسیس گشته است حضرت  
مولی الوری در مقامی باین بیان اهلی مترنم :  
" .. قدرت آسمانی و قوت یزدانی وید اقتدار الهی  
خیمه وحدت عالم انسانی بلند نموده و علم صلح اعظم  
و دوستی و محبت و راستی و حق پرستی بلند کرد .  
یاران خادم این خیمه اند و دوستان جنود این علم  
پس باید بانچه لایق و سزاوار است برخیزند و ششور  
و ولهی انگیزند "

بنابراین ما جمع ناتوان که در ظل جناح فضل  
و احسان جمال قدم ماوای گرفته ایم و بدون استحقاق  
برخوان نعمای بیکرانش مجتمع گشته ایم و همه -  
آرزوی انجام خدمتی باستان مبارکش را داریم باید  
اولا با زیارت نصوص و آثار مبارکه و دعا و مناجات قوای  
روحانی خود را تقویت نمائیم و بر حقائق و مبادی سامیه

حق جل جلاله  
 از برای ظهور جواهر  
 معانی از معدن  
 انسانی آمده  
 جمال اقدس  
 ابهی جلست  
 عظمت

+++++

++++

+



انسان دارای نفس  
 ناطقه یا قوه مدرکه کاشفه  
 است که از مخزن آن با توجه  
 بآثار مظاهر مقدسه الهیه واستفاضه  
 از انوار ساطعه از ملکوت ابهی وتحصیل  
 کمالات صوری ومعنوی حقایق ویدایع شگرفی  
 تراوش میکند که مایه بسی شگفتی است  
 شرط ظهور این کمالات رحمانی وفضائل معنوی  
 پرورش توای رحمانی و سقایه شجر استعداد نهانی  
 است که بشمر رسد و آن عبارت است از معرفت و سیر  
 تکاملی آن تا به معرفت حقیقی منجر گردد زیرا از قلم اعلی  
 نازل: " اول هر امری معرفت بوده " سپس ایمان و ایمان  
 کامل که موجب اطاعت و پیروی از کلیه اوامر واحکام الهی  
 و اجتناب از جمیع نواهی شود و نیز سیر آفاقی وانفس برای تکمیل  
 معلومات و تجارب وتهذیب آمال و سآرب یا لااقل سیر ومطالعه دقیق در

احمد یزدانی

کتب علمی و روحانی و اخلاقی و تاریخی که اصالت و صحت آنها تاحدی  
 مورد تحقیق قرار گرفته باشد و احتراز از قرائت کتب و آثار بی ارزش از تبیین  
 رمانهای عشقی و افسانه های ساختگی و حکایات غیر واقعی و نوشتجات غاری از  
 نتایج علمی یا اخلاقی و همچنین خود داری و اجتناب از معاشرت با صاحبان افکار  
 و گفتار و رفتارهای نالایق و سعی در مصاحبت با ابرار و اهل معرفت از اخیارتا  
 قوای فکری و تراوشهای روحی انسان با توجه بمراتب مذکوره پرورش یافته آماده تجلی  
 و افاضه بعباره اخیری تقریر و تحریر گردد و برای شنونده و یا خواننده طالب حقیقت مورد استفاد  
 و تحسین قرار گیرد و منتقدین و خرده گیران دور و نزدیک را نیز مجال اعتراض واستهزائی نماند .  
 البته هر بیان ومقاله ای که بدون توجه بشرایط مزبوره بمرض افکار عمومی گذاشته شود تاثیرات



۸ - بیانات و عبارات دیگران را با تغییرالفاظ و پس و پیش کردن کلمات و جملات نقل ننمایند - یعنی حق کسی را پایمال و غصب نکنند اگر کسی بیان رسائی در موضوع مورد بحث دارد با ذکر اسم صاحب کلام و عین عبارات او نقل کنند .

۹ - در استشهد باقوال و آثار دیگران نیز با معرفی اسم و رسم آنها و اگر خارجی است با حروف لاتین هم اسم کامل او را بنویسند و در صورت لزوم و اهمیت معرفی مختصری نیز از او - بشو دو کلامش اگر حدی حجت است و سا موزین امری منطبق نقل نمایند و آنها کاملاً و بدون نقصان<sup>۲</sup> اضافه و نیز ذکر کنند از کدام کتاب یا مجله اقتباس شده و بطور کلی هیچ استشهد و اقتباس را بدون قید مدرک و منبع آن نقل و ذکر نفرمایند .

۱۰ - اگر در مطلبی تردید و یا سوء تفاهمی معنی حقیقی بیان مقدسی و توف کاملی ندارند قبل از تحریر از اهل معرفت بپرسند پرسش و مشورت راه ترقی و تعالی و نیل بحقیقت است .

۱۱ - حتی المقدور در موضوعاتی که دیگران - نوشته و نشر داده اند وارد نشوند زیرا تکرار موضوع بیهوده و موجب ملال است مگر آنکه مستلزم شرح و وسط جدیدی باشد و معلومات تازه ای در آن باب بدست آمده باشد آنها هم با ذکر اینکه دیگری هم بنام و نشان مخصوص در این باره نوشته است .

۱۲ - در نوشتن مطالب همواره نظر بخوانندگان دوست و همفکر نداشته باشند بلکه خوانندگان منتقد و مخالف را هم در نظر گیرند تا کلام جامع و مبرهن بوده آنان محفوظ و ایمن آرام و خاموش باشند .

۱۳ - مطالبی که ذکر آن خالی از اهمیت نیست موضوع خط است در بیانات مبارکه هر جا ذکر

تعلیم و تربیت و تحصیل است غالباً "بالعلم والخط" قید فرموده اند و آثار والواج مبارکه در طبعی متجاوز از یک قرن از لحاظ خط و اسلوب نوشتن سرآمد آثار است و خیره کننده ابصار لذا جوانان عزیز هم باید ناسی فرمایند و توجهی بحسن خط یا لا اقل بخوانا بودن خطشان بکنند و - صفحات مقاله خود را با حواشی کافی در یمن و یسار با خط معتدل نه درشت و نه ریز مرقوم دارند تا مزید بر رغبت خواننده گردد و ناشرین را نیز زحمتی نیفزاید امضای مقاله نیز خوانا و - دارای تاریخ باشد .

۱۴ - یک نکته مهم تکرار بیان میشود در - موضوعاتی که از حد دانائی و سعه فکر و علمشان خارج است مانند بعضی مطالب علمی و فلسفی و عرفانی حتی المقدور وارد نشوند زیرا شرح آن مواضع مستلزم تحصیلات کامله و مطالعات وافیه و افکار مجربه دقیقه است .

۱۵ - در اغراق و مبالغه در تعریف و تمجید از شخصی یا اساسی و اهانت و تحقیر از کسی یا مذهب و مسلک و حزبی بکلی احتراز جویند زیرا حقیقت دانان در گوشه و کنار از مبالغه و اغراق متعجب شوند و اشخاص و احزاب مورد تحقیر بعه مبارزه و خصومت برخیزند و در مقام انتقام بر آیند روش اهل بهاء این است که راستی و حق مطلب را بیان نمایند خواه در مورد امرا و دوله و دوستان و خواه در مورد احزاب و اغیار صدق گفتار و بیان معتدل و مقرون بحکمت همواره مستحسن و نافذ - بوده و هست روش امری چنین است .

۱۶ - در اصطلاحات مخصوصه ادیان و احزاب از قبیل قرن بیستم و قرن اتم و لیدر و رژیم و غیرها حتی المقدور خود ناری فرمایند زیرا معارف و انشاء امری خود دارای اصطلاحات خاصه کامله است .

این است پاره ئی از شرایط و اصول گفتار و

۳- هر مقاله باید دارای موضوع خاصی باشد که صدر آن ذکر میشود سعی فرمایند از آن - موضوع تجاوز نمایند و حواشی و مطالب خارج از آن نپردازند و الکلام بجر الکلام نشود .

۴- هر مطلبی را بدوا در فکر خود بحد کافی مطالعه و تمعن نموده و بر آن تا حد امکان احاطه فرمایند تا مطالب ناقص و غیر مستدل در کلام و مقالشان وارد نشود و هرگاه موضوعی را کاملا متوجه و متیقن نشده اند اقدام بشرح آن - نفرمایند .

۵- میزان تاهه اهل بهاء در معارف و مطالب همانا موازین امری و حقایق و نصوص مندرجه در الواج الهیه است زنه از قسطاس عدل الهی تجاوز گردد .

۶- در مقام استشهاد به بیانات مبارکه اولاً باید معلوم باشد آن بیان از کدام مقاله و کدام کتاب است ثانیاً ابتدا و انتهای بیان مبارک محرز گردد و با کلمه انتهی ختم شود ثالثاً بیان مبارک اصالةً در موضوع اصلی مقاله باشد یعنی ثقل معنی و هسته مرکزی بیان مبارک کاملاً منطبق با موضوع مورد بحث بوده باشد نه اینکه بوجهی دور از منظور ارتباط غیر مستقیم با آن داشته باشد و در نقل عبارات و بیانات مبارکه باید توجه داشت که تمام جمل مربوطه از مبتدا و خبر و نتیجه - صحیحاً نقل گردد و سعی شود در بین آیات و کلمات مقدسه مربوطه بموضوع آنکه اصرح و ابین است نقل شود نه آنهاییکه نسبت بآن منظور دارای اجمل و ابهام اند .

۷- در بیان خلاصه موضوع آیات منقوله و یا شرح کلمات مقدسه از حدود معانی و حقایق آن تجاوز نمایند و چیزی از خود در مقام تاویل و تفسیر زائد بر اصل مطلب ننویسند که موجب انحراف از معنای حقیقی گردد .

بقیه در صفحه ۱۶۲

گوناگون در طبقات مختلف نماید گروهی از اهل بهاء و دوستان باولا نواقص آنرا بعفو و اغماض و سکوت بگذرانند بعضی بانتقاد برخیزند برخی باعتراض و عیب جوئی کوشند و جمعی نیز از مخالفین که در کمینگاه نشسته اند بعداوت و ناروا گوئی بصد امرالله قیام کنند و هتک حرمت آئین مبین و دوستان نازنین نخواهند در صورتیکه گوینده یا نویسنده مقاله قصدی جز حسن خدمت و بیان مافی الضمیر نداشته ولی در نتیجه باعث ضرر امرالله و اهانت احباء الله گشته است .

پس جوانان عزیز و برارنده بهائی بایست اول خود را حتی القوه از هر حیث آماده و مستعد سازند و شرایط تحریر و تقریر را تا آنجا که میسر است در خود فراهم سازند سپس دهان به بیان - گشایند و یا قلم بدست گیرند تا همه دوستان محظوظ و مستفیض گردند و مخالفان خاموش و - خائب شوند .

اینک نگارنده این مقاله آنچه بنظر قاصر خود برای تحریر مقالات امری لازم میدانند ذیلاً شرح میدهد تا جوانان عزیز بهائی مورد مطالعه و مداقه قرار دهند :

۱- از تقلید در عبارت پردازی و اقتباس از آثار و مضامین دیگران و مخصوصاً اگر آنها را بحساب خود قلمداد نمایند پرهیز فرمایند - سخن حقیقی آنست که از دل گوینده و یا نویسنده - تراوش کند و بنابراین هرکس سبک و روش خاصی در انشاء خواهد داشت .

۲- حتی المقدور از تعقید در انشاء و عبارات و الفاظ مشکله غیر مانوسه مانند (هیم متکاتفه) و " منقشع " و " منقصم " و غیرها خود داری فرمایند تا مقاله عام المنفعه بوده همه کس از آن بهره گیرد و از صورت تصنع و تقلید خارج شود .







## سیدغلامرضا روحانی

بطوریکه تاریخ نشان میدهد وقتی انسانهایی در جنگها و غارها سکونت داشته و از میوه های جنگلی و ریشه گیاهان ارتزاق میکردند و بآثار مدنیت و صفات و کمالات آدمیت آشنا نبوده بلکه مانند حیوانات وحشی و گرگان درنده یکدیگر را پاره می ساختند بطوریکه هم اکنون هم در پاره های از نقاط گیتی نمونه های از این نوع بشر وحشی وجود دارد که بهمان وضع زیست مینمایند و این وحشیگری در قبایلی هم که بطور اجتماع می زیسته اند وجود داشته چنانکه قبایل عرب دوره جاهلیت همیشه بقتل و غارت یکدیگر مشغول بوده و از فرط توحش دختران خود را زنده در خاک مدفون میساخته اند و هنوز هم که متجاوز از هزار سال از آن دوره میگذرد از داشتن دختر ننگ دارند و نسبت بزنان و دختران نهایت بی عدالتی را روا میدارند لیکن خداوند در هر دوره زمانی در میان این قبیل قبایلی پیغمبری مبعوث فرموده که آنان را بخدا پرستی و نوع دوستی و وحدت و اتفاق و تعاون و تعاضد و سایر صفات پسندیده و اخلاق حمیده امر و اباحات رذیله منع فرموده اند و چون آن برگزیدگان خدا قوانین جدیدی برای آنها می آوردند که بکلی آن قوانین مخالف و مغایر با آداب و رسوم و مباین با اوهام و خرافات مرسومه بین آنان بوده علیهذا شدیداً در مقام ضدیت و عداوت برمی آمدند و بمعارضه برمیخواستند کم کم امر آن پیغمبر بقوه قاهره الهیه بر آنها مسلط و فائق آمده و آن قوم وحشی متدرجاً از تیره ضلالت بوادی هدایت راهنمایی می شدند بقسمی که در ظل تعالیم آن مری الهی دارای بزرگترین مرنیت مادی و معنوی وقت گردیده و روز بروز بیشتر راه ترقی و تعالی را می پیمودند. تاثیر ظهورات حضرت زرتشت و حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت عیسی و حضرت محمد و سایر مظاهر الهیه بهترین نمونه و بزرگترین شاهد بر صدق این مدعا است.

چون عالم بشریت از اول ایجاد الی ابد الابد در سیر تکامل بوده این است که در هر عصر و زمان بمقتضای اوضاع آن عصر قوانین و شرایع الهیه بواسطه مظاهر مقدسه تجدید می یابد و در هر دوره بظهور جدید روح بدیع در اجساد مردگان قبور غفلت و اوهام دمیده میشود و رستاخیز حقیقی و قیامت واقعی واقع میگردد - چنانکه در این دوره اعظم ظهور مبارک حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی تغییرات کلی درجهان حاصل گردیده از طرفی مدنیت مادی بسرعت در پیشرفت بوده و از

## وحدت عالم انسانی

( ۳ )

بقیه از شماره قبل : وحدت عالم انسانی ( محمود مجذوب )

عالم انسانی چنان استعدادی ایجاد نموده که بتواند مراحل صباوت و کودکی و عنفوان جوانی را طی کند و خود را سریعاً بمرحله بلوغ و کمال و آخرین حد تکامل خویش در این کره خاکی برساند. حضرت ولی مقدس امرالله راجع به اثرات این قوه خلاقه در توفیق منیع " قدظهریم المیعاد " چنین میفرمایند: قوله العزیز ترجمه - " . . . آن قوای خلاقه که ظهور آن در سنه ستین بوجود آورد و سپس بفیوضات متابعه قوه ملکوتی که در سنه التسع و سنه هشتاد برای تمام نوع بشر نازل شد تائید گشت در عالم بشریت چنان استعدادی دید که بتواند باین مرحله نهائی سیر تکاملی ترکیبی و عمومی خود نائل گردد . انجام این سیر کمال همواره باقرن ذهبی امر آنحضرت توأم شمرده خواهد شد . . . . "

ولکن برای وصول بمرحله وحدت عالم انسانی باید مراحل مختلفه ای طی شود تا بالاخره از خلال وقایع و حوادث خطیره و انقلابات شدید که پیش بینی و درک جزئیات آن فعلاً برای ما مقدور نیست مدنیت روحانی و جهانی حضرت بهاء الله رشد و تکامل یابد و در عصر ذهبی دیانت بهائی بتاسیس و استقرار سلطه روحانی و ظاهری جمال اقدس ربیبی در بسط غیرا منجر گردد .

طریق دوم — حضرت ولی محبوب و مقدس امرالله ارواح العشاق لعنایاته النداء در لوح مبارک " قدظهریم المیعاد " این موضوع را کاملاً توجیه میفرمایند که بشر از ابتدای سکونت خود در روی کره زمین یک سیر تکامل اجتماعی را آغاز نموده که وحدت عالم انسانی

انشقاق ابناء بشر جای خود را بصلح و آشتی عمومی و وحدت کامل عناصر مختلفه مشکله جامعه انسانی واگذار خواهد کرد . . . " ( ترجمه )  
در این دوره دو قوه عظیم یکی منفی و دیگری مثبت در حال کوشش و فعالیت میباشند و عالم بشریت را از مرحله کنونی بمرحله رشد و بلوغ کامل سوق دهند و آنرا با آخرین حد تکامل خود که عبارت از تاسیس وحدت عالم انسانی است برسانند .

قوه اول که نفیاً و بطور غیر مستقیم در کوشش است عبارت از تمدن هالکه ماده کنونی و مظاهر آن و بالاخره بلای مبرم و دامنه داری است که نوع انسانی بسبب فراموشی از خدا و عدم اعتناء به اصول اخلاقی و تعالیم روحانی مظاهر الهیه بدن دچار شده و مآلاً و خفیا جاده را برای وصول بعالیترین هدف و غایت جامعه بشریت و مرحله بلوغ و کمال صاف و هموار مینماید .  
وقوع انقلابات خطیره و حوادث و اضطرابات جسمیه آینده که زائیده و محصول تمدن محکم بزوال کنونی عالم است بالاخره مدنیت ماده حالیه را به وادی فنا و نیستی میکشاند تا مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه بر روی خرابه های آن بنا شده و عالم رنج دیده و بشر مصیبت کشیده را در ظل خیمه وحدت و یک رنگی خود مجتمع گردانند .

قوه دوم که اثباتاً و بطور مستقیم در حال ساختن و برداختن مدنیتی نوین جهانی است قوه قدسیه ساریه الهیه و فیوضات ربانیه است که بنابه اراده الهی و با تاسیس این آئین الهی و عمومی بوجود آمده است. ظهور این قوه در

آخرین مرحله این سیر تکامل بوده و وصول به آن برای جامعه انسانی ضروری و محتوم است .  
با توجه باین مطالب اینک میگوئیم یکی از قوانین کلی و عمومی عالم وجود قانون حرکت و دگرگونی میباشد البته این حرکت بدون هدف و مقصد نبوده بلکه همواره در طریق تکامل انجام میگیرد . جامعه انسانی نیز از این قانون کلی مستثنی نیست و بشهادت تاریخ اجتماع انسانی در طول زمان همواره در طریق تکامل بوده و در جهت صعودی و تکاملی سیر حرکت نموده است . بنا باقوال دانشمندان و مورخین بشر در زمانهای خیلی دور بطور بدوی و انفرادی بر روی کره خاکی زندگی مینموده است و پس از گذشت زمان و بر اساس میل غریزی و احتیاجی که بزندگی دسته جمعی داشته بتشکیل خانواده که اولین و مهم ترین واحد اجتماعی است اقدام نموده است .

در باره زمان تشکیل این اولین و مهم ترین واحد اجتماعی و تغییرات و تبدیلات آن بعلمت بعد زمان و نبودن مدارک قطعی اطلاعات دقیقی در دست نداریم ولیکن امروز هم در بین قبایل غیر تمدن و نیمه وحشی که در جزائر دور افتاده اقیانوس کبیر - استرالیا - گینه جدید و آفریقا - زندگی میکنند میتوان مراحل ابتدائی تشکیل قانون خانواده را مشاهده کرد ، بهر حال این مرحله را اجداد و نیاکان مادر طی هزاران سال پیموده و متدرجا قدم از آن فراتر نهاده بمرحله دیگری وارد شده اند .

مرحله ثانی در سیر تکامل جوامع بشری بسوی وحدت ایجاد یک واحد بزرگتری در اجتماع انسانی بنام قبیله و طائفه بوده است . پس از تشکیل واحدهای خانواده احتیاج مقابله با حوادث و مشکلات طبیعی و دفاع از خود در مقابل درندگان و نیز تمایل انسان بزندگی دسته جمعی و معاشرت بایکدیگر سبب شد که چند

یا چندین خانواده بدور هم جمع شده و قبیللمی را تشکیل دهند و یک مرحله دیگری را بسوی وحدت بشر طی کنند . طریقه انتخاب رئیس قبیله و وضع مقررات و نظامات و تعیین حدود و اختیارات افراد قبیله و یا اجرای مجازات در باره متخلفین و خلاصه طرز اداره این واحدها اجتماعی خود بحثی مفصل و از حوصله این مقال خارج است .

مرحله سوم در این سیر تکاملی بوجود آمدن شهرهای متعدد از اجتماع خانواده ها و قبائل متعدده بوده است که بدین وسیله تدریجا شهر نشینی معمول و معقیده علمای علم الاجتماع با بوجود آمدن شهرها روابط مختلفه اجتماعی و انسانی ایجاد و بشر وارد اولین مرحله از تمدن شده و یا بعبارت دیگر شهرنشینی مجدد تمدن گردیده است ( لفظ تمدن یا مدنیّت اصولاً از کلمه مدینه بمعنی شهر گرفته شده است ) در زبانهای اروپائی نیز لغت سیویلیزاسیون - Civlisation بر تمدن و مدنیّت اطلاق شده که آنها از کلمه سیتیویس Civitavis بمعنی اهل شهر مشتق شده است ) .

در حقیقت بمدد شهر نشینی و ایجاد روابط و مبادلات گوناگون استعدادات افراد بشر برای تظاهرات خود میدان وسیعتر و مناسبتری یافته و بالنتیجه پیشرفت های مختلف فکری - اجتماعی و اقتصادی نصیب جوامع انسانی گردید و وجود شهرها اصولاً بهترین وسیله تقسیم کار و مبادله اطلاعات و همکاری و همفکری افراد بشر و پیشرفت جوامع مختلفه بوده است .  
پس از عبور از مرحله شهرنشینی جوامع بشری بعلمت بسط روابط تجاری و گستر رفت و آمد بین شهرها وارد مرحله چهارم از سیر تکاملی خود یعنی مرحله وحدت ملی گردید و بتاسیس حکومت ملی اقدام نمود و آداب و رسوم قبیله ای به نظامات

## آهنگ بدیع

و از کارافتاد شده است چاره ای جز دخول به مرحله ای عالیتر و عمومی تر که وحدت عالم انسانی و اتحاد من علی الارض باشد ندارد و جمال اقدس الهی مظهر کلی الهی در یک قرن پیش باین ضرورت توجه فرموده و تاسیس تعالیم و مبادی روحانی و اجتماعی خود و با تعیین وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی بعنوان هدف و مقصد اساسی از ظهور و بعثت حضرتش عالم بشری را متوجه این - احتیاج قطعی و محتم نمودند و ما امروز از هر جهت آثار و علائم این احتیاج شدید را بر لبی العین میبینیم و بوضوح مشاهده میکنیم که عالم انسانی هیچ راهی برای رهایی از مشکلات لا ینحسل اجتماعی خود ندارد مگر آنکه بمرحله نهائی سیر تکاملی خود یعنی وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی وارد شود . بوجود آمدن نهضتها و انجمنها و جمعیتهای مختلف بین المللی در دو قرن نوزدهم و بیستم برای وصول بمقاصد گوناگون عمومی و بین المللی و از همه مهمتر تاسیس جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول و تبدیل آن بسازمان عظیم بین المللی بنام سازمان ملل متحد با تشکیلات و تاسیسات متعدده - وابسته بآن و تنظیم و انتشار اعلامیه حقوق بشر بر اساس آزادی و مساوات عموم افراد انسانی و بالاخره طرفداری عمیق و جدی بسیاری از دانشمندان و متفکرین و سیاسیون عالم از فکر حکومت جهانی و اتحاد بین المللی و تأمین صلح و امنیت عمومی و نائی از طرق حکومت و قانون دنیائی همه مبین این حقیقت است که عالم بشریت باصول تکامل و ضرورت بسوی هدف اساسی این ظهور آسمانی یعنی وحدت عالم انسانی روان و دوان میباشد . جنبشها و انجمنها و اتحادیه های بین المللی که در زمینه های مختلف در یک قرن اخیر از طرف ملل آزاد جهان بوجود آمده و تاسیس شده از حد احصاء خارج است -

و قوانین مدنی و مملکتی مبدل گشت . بفرموده حضرت ولی مقدس امرالله در توفیق منیع " قد ظهر یم المیعاد " شریعت مقدس اسلام هادی و راهنمای بشر در بیمودن این مرحله بوده است . زبرادر زمان ظهور بیخبر اکرم مردم شبه جزیره عربستان از لحاظ اجتماعی در مرحله ملوک الطوائفی بسر برده و قبائل و طوائف متعدده متحاربه در آن سرزمین وجود داشتند و بین آنان نزاع وجدال دائمی بوده لذا آن مظهر الهی هدف اجتماعی خود را ایجاد الفت و اتحاد بین طوائف مختلفه عربستان قرار دادند و با بیان مبارک " انما الومنون اخوه " همه مؤمنین را از هر قبیله و طائفه ای که بودند برادران یکدیگر بشمار آوردند بنا بر این وصول بمرحله اولیه وحدت را - میتوان از خصائص مشخصه دوره شریعت مقدس اسلام دانست .

بدین ترتیب جوامع بشری در طول هزاران سال مراحل مختلفه تکامل بسوی وحدت را طی نموده و در قرن نوزدهم میلادی یعنی در زمان ایجاد نهضت روحانی و بین المللی بهنگام آخرین مراحل تکاملی وحدت کفرا بیموده و به تاسیس حکومت متعدده مستقله ملی نائل آمده و معنا خود را آماده دخول بمرحله ای عالی تر و وسیعتر یعنی وحدت عالم انسانی و اتحاد بین المللی نموده بودند .

با توضیحات مذکوره اینک میگوئیم یکی از بهترین طریق وصول عالم انسانی بهدف اساسی و اجتماعی دیانت مقدس بهائی همانا سیر جبری جوامع بشری بسوی وحدت میباشد و اجتماعات بشری که مرحله وحدت ملی را طی نموده و به علت ترقیات سریع فکری صنعتی و اجتماعی و بواسطه ظهور اختراعات و اکتشافات عجیبه و توسعه روابط مختلفه ملل با یکدیگر این - مرحله برای رفع احتیاجات کنونی آن ناقص



فقط در این مقال متذکر می‌شوم که بنا بر مجرای  
اولین سالنامه‌ایکه بنام (زندگی بین‌المللی) در سال  
های ۱۹۰۸-۹ منتشر شده از سال ۱۸۴۰ تا  
۱۹۰۹ هزار و هفتصد و هشتاد و هفت (۱۷۸۷)  
اجتماع بین‌المللی برپا شده که بعضی جنبه  
علمی و برخی جنبه علمی و حرفه‌ای و باره‌ای -  
ارزش اجتماعی یا نیکوکاری داشته است همین  
سالنامه در سال ۱۹۱۱ صورت ۳۰۰ فقره تشکیل  
دائی بین‌المللی را منتشر میکند. آیا تشکیل  
این انجمنها و اتحادیه‌ها که روز بروز بر-  
گرفت و اهمیت آنها افزوده میشود. بین‌المللی  
تاسیس فوری یک مدنیت عمومی و بین‌المللی در عالم  
انسانی که بر مبانی معنویت و اخلاق استوار باشد  
نیست؟ حضرت ولی‌مقدس امرالله در باره -  
لزوم و محتوم بودن وصل جامعه بشری بوحث  
عالم انسانی چنین میفرماید قوله العزیز -  
ترجمه " وحدت کافه نوع بشر مابه الامتياز  
مرحله‌ای است که حال هئیت جامعه بشری بآن  
نزدیک میشود وحدت خانواده و قبیله و شهر  
و ملت متوالیا مورد اقدام واقع و کاملاً تحقق  
پذیرفته است وحدت عالم غایت قصوائی است که  
بشر سرگردان برای نیل بآن تلاش مینماید .  
اکنون تشکیل وحدت علمی بیابان رسیده است و هرچ  
و مرجی که ملازم اختیارات مطلقه حکومت است  
بمنتها درجه شدت میرسد . عالمیکه در حال  
رشد و بلوغ است باید از قید این بت و هم خود  
را رها کرده بوحث و جامعیت روابط بشری  
معترف و بطور قطع نظمی ایجاد نماید که بوجه  
احسن بتواند این اصل اساسی حیاتش را مجسم  
سازد . . . " انصافی

طریق سوم - طریق دیگری که برای  
وصول جامعه بشری بهدف اساسی و اجتماعی  
این ظهور مبارک وجود دارد همانا استمداد از  
سایر مبادی و تعالیم و احکام روحانی و اداری و

اجتماعی و فردی این آئین نازنین میباشد و اهل بها  
را براهنمائی نصوص مبارکه اعتقاد بر آنست که وصول  
بمرحله وحدت عالم انسانی و اتحاد بین‌المللی بدون  
توجه بسایر مبادی و تعالیم الهی و عمومی این نهضت  
روحانی و جهانی مانند احتیاج عالم بنفحات روح  
القدس و وحدت اساس ادیان - توافق دین بسایر  
علم و عقل - لزوم ترك تعصبات جاهلانه و وحدت  
لسان و خط - تعلیم و تربیت عمومی و اجباری و  
وحدت تربیت - تساوی حقوق زن و مرد - تعدیل  
معیشت عمومی و حل مشاكل اقتصادی و بالاخره صلح  
عمومی و لزوم تاسیس محکمه کبری بین‌المللی و بیت  
العدل اعظم الهی و همچنین تشکیلات منظم و  
بدیع بین‌المللی - ملی و محلی که برای اداره عالم  
در ظل تمدن بهائی پیش بینی شده است ممکن  
و میسر نخواهد بود . در حقیقت هدف اصلی  
و اساسی دیانت مقدس بهائی وحدت عالم انسانی  
است و سایر مبادی و تعالیم روحانی و اداری و -  
اجتماعی این ظهور ملکوتی طائف حول این مقصد اعلی  
بوده و جزو ارکان آن بشمار میروند و راه را برای  
وصول باین مرحله عالی و نهائی هموار و آماده  
نمایند . بعبارت دیگر مبادی و تعالیم روحانی و اناری  
و اجتماعی و فردی این ظهور مبارک را میتوان به  
مثابه اعمده و ارکان و لوازم و مصالح کاخ رفیع  
البنیان مدنیت روحانی و جهانی شریعت مقدس  
بهائی دانست که بر فراز آن علم وحدت عالم انسانی  
در موج و اهتزاز است .

طریق چهارم - طریق دیگری که  
جامعه جهانی بهائی برای وصول بهدف عالی و  
مقدس خجوه دارد عبارت از کوششها و مجاهدتهای  
خالصانه جمهور مؤمنین و مؤمنات و بندگان بر  
عشق و وفای جمال قدم در سراسر عالم میباشد .  
بشهادت تاریخ مشعشع امرالله از هماندم که  
مظهر امر الهی بر عرش ظهور مستقر شد و خیمه وحدت  
و یکرنگی را بر فراز همه امتها برافراشت گروهی  
بقیده در شماره بعد

# نقوذ امرود فرانس

عوامل مهم چندی سبب تولید استعداد درین اهالی فرانسه و بالاخص اهالی پاریس گردیده است ازین این عوامل از همه مهتمتر مسافرت و اقامت حضرت من طاف حوله الاسماء فرع منشعب از اصل قدیم حضرت عبدالبهاء ارواح العالمین لرمسه الاظهر فسادا در پاریس و یکی دونقطه مهم کشور فرانسه مانند مارسیل بوده است .

پس از ذکر این مقدمه باید گفته شود که بطور کلی امرالله از ۶۵ سال قبل درین فرانسویان نقوذ داشته و ادعیه مقلسه حضرت عبدالبهاء در پاریس باعث فتح باب تائید الهی بر این کشور شده است نخستین جمعیت بهائی در سال ۱۸۹۸ و ۱۸۹۹ که پس از تشریف و کسب اجازه از حضور مقدس حضرت عبدالبهاء عازم پاریس شدند از آن جمله مادام بی بولسر بود که پس از تشریف امر فرمودند در پاریس اقامت نموده و به تبلیغ و نشر نفعات اله مشغول شود ایشان هم اطاعت کرده مرکز تبلیغی خود را در شهر پاریس قرار داد . پس از چندی نفوس مقدسه دیگری مانند جوان نورانی مسیو بریکول و دریفوس و دکتر ژرژ شوالیه و روسل سگورو غیره در ظل ظلیل امرالله درآمدند شرح تصدیق مسیو بریکول را جناب دکتر ینونس افروخته در کتاب خاطرات نه ساله کاملاً بیان فرموده اند این جوان روحانی در عفوان شباب مبتلا به بیماری سل گردید و با فریاد ییابی الاهی در بیمارستان بملکوت ابهی شتافت و از جمله جناب مسیو لیست دریفوس وکیل دعاوی دادگاههای پاریس و دکتر در حقوق مستشرق و نویسنده و ادیب معروف فرانسوی است که السنه شرقی را خوب می دانستند و بهین دلیل هم پس از مطالعه آیات الهی بامر مبارک مومن گردیده و تصمیم گرفته که آیات را بزبان فرانسه زبان مادری خود ترجمه نماید این عالم شهیر پنجاه سال از عمر گرانبهائی خود را صرف تبلیغ فرانسویان نموده است .

در سال ۱۹۰۰ جمعیت بهائی فرانسوی و غیر فرانسوی مقیم پاریس مرکب بود از مادام ادیت مک کای - مادمازل ادیت ساندرسون که توسط حضرت عبدالبهاء بلقب روحیه خانم ملقب گردیده بود .

مسیو سگور روسل - مسیو بریکول - مادام می  
ماکسول والده محرزه بانوی اهل بهاء حضرت  
امه البهائیه روحیه خانم - مادام بنیاردی - مسیو  
میسن رمی - هیبولیت دریفوس - برتا - مسیو  
استفانی - مسیو فیلیپ اسپراک - مادام لیلیان  
بیستون - مادام بی بولر بلخه اولیه و ماد موازل -  
بنیاردی .

در سال ۱۹۰۴ بر حسب امر و اجازه حضرت  
عبدالبهائیه جناب میرزا ابوالفضائل گلپایگانی به  
پاریس آمده و کلاس دروس امری برقرار نمود و  
نخستین هسته بهائیان پاریس را بتعالیم  
مقدسه الهیه کاملاً آشنا ساخت . مقارن همین  
سال ماد موازل کلیفورد باری که بعد ها باز دواج  
مسیو دریفوس در آمده با امرالله آشنائی یافت و  
تصدیق امر الهی نمود و با قلبی پر شور از منبع  
نور الهی کسب دستور نمود پس از اخذ اجازه  
عازم حرم کبریا و مطاف ملا اعلی گردید  
مشار الیها از محضر حضرت عبدالبهائیه سؤالاتی  
نمودند و بدین ترتیب کتاب مستطاب مفاوضات -  
تنظیم شد این کتاب منبع فلسفه روحانی است و  
اجوبه شافیه کافیه را بر اشکالات پیروان -  
حضرت مسیح در بردارد . کتابی است بسیار  
گران بها که نسلهای آینده اهمیت و ارزش -  
واقعی آن آگاه خواهند گردید .

این خانم با اجازه از محضر اقدس حضرت  
عبدالبهائیه بمعیت مسیو دریفوس از بسیاری از مراکز  
بهائی در اروپا و آسیا و امریکا دیدن نمود و پس  
از ازدواج با دریفوس چون ایشان هم فارسی  
و عربی میدانستند باشوهر خود در ترجمه آثار  
امر کلمک نموده است و نخستین نمره این همت  
ترجمه کتاب مفاوضات از فارسی بفرانسه میباشد  
که بنام درسهای عکایا

مصروف است .

مادام باری خانمی است فاضله که بزبانهای  
فرانسوی، وانگلیسی و فارسی وکی عربی آشنائی  
دارد و مدت حیات خود را صرف خدمات تبلیغی  
نمود و الی حال حیات دارد - ترجمه و تالیفات  
مسیو دریفوس عبارتست از :

- ۱ - نخستین کتاب ترجمه ایقان بسال ۱۹۴ به  
کلمک حبیب الله شیرازی ۲ - کتاب بهائیت
- ۳ - دین و اجتماع فعلی  
یا دین بهائی ۴ - اصول اجتماعی بهائیت
- ۵ - ترجمه کلمات مکنونه ۶ - ترجمه الواح ملوک
- ۷ - ترجمه هفت وادی ۸ - ترجمه کتاب مفاوضات
- ۹ - ترجمه بسیاری از مناجاتهای حضرت بهاء الله  
حضرت عبدالبهائیه ۱۰ - تنظیم و چاپ مقالات -  
فراوان در روزنامه ها و مجلات فرانسه .

ماد موازل ساندرسون از سال ۱۹۰۰ در  
پاریس اقامت داشته و ضمن تحصیل به تبلیغ  
امرالله نیز مشغول بوده و تانفس اخیر فعالیت  
تبلیغی داشته حضرت عبدالبهائیه در ایامی که  
در پاریس نزول اجلال فروده بودند در منزل  
مشارالیها اقامت داشتند و هم اکنون اکثر آثار  
نفیسی که بمحفظه آثار بهائیان پاریس  
تقدیم داشته بیادگار ایشان باقی است .

این نفس نفیس همیشه عمر عزیز خویش  
را بانتظار ظهور وعده های مرکز میناقی راجع  
به پاریس و فرانسه میگذرانیده و دائماً تضرع  
و زاری میکرده که مواعید الهی زودتر ظاهر  
گردد و از صمیم قلب همواره آرزو داشته که  
محفل ملی کشور فرانسه که یکی از اعمده مهمه  
بیت العطل اعظم الهی است تشکیل گردد و  
بهین جهت سرمایه قابل توجهی باین موضوع  
اختصاص داده و در بانک مخصوصی بودیعه  
گذارده تا پس از تشکیل محفل مقدس ملی  
فرانسه باین رکن رکین تسلیم گرد و طبق وصیت  
ایشان عمل گردید .

## آهنگ بدیع

در یکی از تواقیع مبارکی که از حضرت عبدالبهاء خطاب باحباء و مبتدیان فرانسوی در سال ۱۹۰۵ نازل گردیده در حق (بارنی) دعا فرموده و به بی ماکسول و ماد موازل ساندرسون هم امر میفرمایند تا در حق ایشان دعا نمایند :

۱۰۶

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه  
 و در محافل روحانیان حاضر شدی و بخت آستان الهی بنام کردی  
 امید دارم که در الفت با یاران ثابت بستم باقی مسرور و فاضل  
 عنایت جمال الهی باشی که چنین توفیق شایسته بود و دیگر خواهی  
 و چه فاضل تا توانی با یاران و مادر جان در نهانست الفت باش  
 از خلق بجمال الهی در جان و در جان حاصل کنی ای عزیز زاری  
 بایس کسول در حق آتالی بارنی دعا کنی بکمال  
 گردد و بطور فریاد شود و بنامید است زنده شود و بجنب آن در  
 آسمانی کرد

و کز زرر شهاب De George Chevalier  
 سیر ل. بکوند Mrs L. Vicard  
 دام ل. بکوند M. L. Vicard  
 کولنی Colonel H. Langlois  
 جمیع از قبل من تحت شتانه برسان و بگوشت صفت  
 اشراف نزد درشت بکوند با توانی حکومت ظهور نمود  
 و در دست عالم انسانی در خلق عالم از گشت و آنگاه  
 عمومی بساح اهل ل. بکوند است و شما که از این نه آید  
 و پروژ آن آفتاب و بیه حال دقت ثابت است شتافت  
 تا شام این استماع و مشا به برت بخش عتول و انکار کرد  
 از الا نسیان همین اجازه حضور دارد و بکمال  
 L. Heintz

نگاشته در این کتاب ثحری حقیقت و کیفیت آن کاملاً تعیین گردیده که فوق العاده گرانبها است و مطالعه آن انسان را در شناسائی عظمت این دور مبارک که بر اثر نفوذ قوه غالبه قاهره روح القدس در قلب و روح فرانسویان تاثیرات عمیق نموده است آگاه مینماید .

در سال ۱۹۰۶ یکی دیگر از جوانان بهائی ایران بیاریس آمده . و مشغول تحصیل گردید این شخص دکتر محمد محلاتی است که پس از تشرف بمحضر حضرت عبدالبهاء و کسب اجازه بیاریس آمده و در کلینیک هتل دیو (Hotel Dieu) که یکی از بیمارستانهای معروف پاریس است زیر دست کحسال مشهور فرانسوی :

Dieu le foi بآموختن جراحی چشم برداخت والی حال در حومه پاریس ساکن میباشد .  
ورود و اقامت مرکز میثاق الهی بیاریس

چنانکه میدانیم حضرت عبدالبهاء پس از آزادی از زندان حسب دعوت احباء بارویا و آمریکا مسافرت فرمودند و از چهاردهم اکتبر ۱۹۱۱ الی نخستین روز دسامبر همین سال یعنی مدت شش هفته در پاریس اقامت نموده اند و این شهر را بقدم خود مفتخر و مزین فرموده و در بسیاری از کنایس و مجامع بایراد خطابه و کنفرانس پرداخته اند .  
 و لی صبحها را معمولاً در منزل مسیولیت دریفوس شماره ۴ خیابان کاموشن

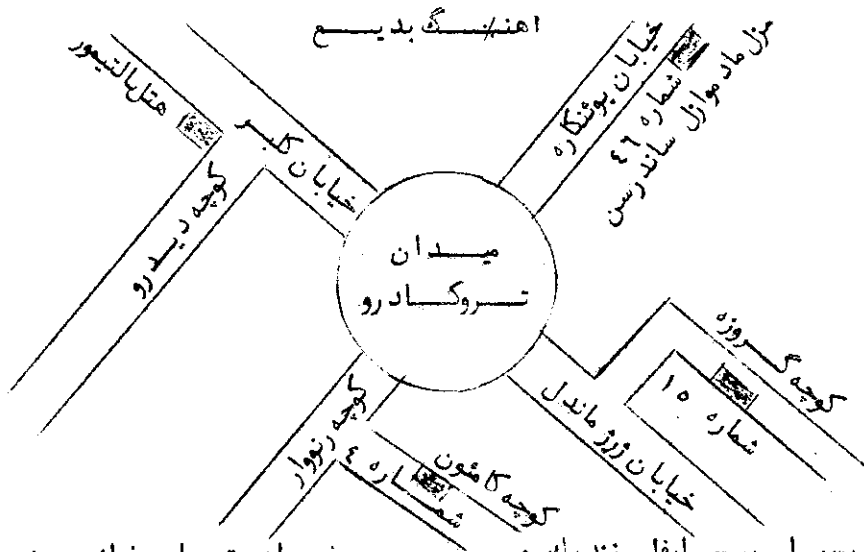
محافل خصوصی داشتند در مدت اقامت در پاریس در چهار نقیله که سه محل آن منزل احببای پاریس است و دیگری در هتل بالتیمور اقامت فرموده اند .

( نقشه ذیل مراکز مزبور )  
 ( را کاملاً بیان مینماید )

در اینجا بی مورد نیست که ذکر از خاندان آستان الهی زرر شوالیه بمیان آید این نفس مقدس پس از تصدیق بامر الهی دائماً ب فکر تبلیغ فرانسویان بود و بدین منظور کتابی بنام :

Comment je suis devenu Bahá'í

" چگونه بهائی شدم " نگاشته و در آن ارز افکار دوره جوانی و اعتقاد بکلیسای کاتولیک و عدم کفایت روحانی این دین را صراحتاً در آن موقع



میدان تروکادرو بسیار بزرگ و نزدیک می باشد و حضرت عبدالبهاء از گل کاریهای آنجا بسیار خوششان میآمده و اکثر روزها را با ملتزمین رکاب به آنجا تشریف برده و تفریح میفرمودند.

در مدت اقامت حضرتش در پاریس خطابات مهمی ایراد فرمودند که در کتاب گرانبهای دیگری بنام خطابات جمع آوری و بهمان اسم موسوم گردید در اکثر این خطابات حضرتش کراراً فرانسویها را از سقوط تمدن مادی اروپا بواسطه تمایل شدید بتجمل و ماتریالیسم انداز فرموده و بسا عباراتی روشن که نماینده قدرت و سلطه الهیه و نمودار روح بر قوه حضرتش بود فرانسویان و بالاخص اهالی پاریس را متنبه ساختند در یکی از این خطابات باین بیان اعلی ناطق:

ترجمه "سعی نمائید تعالیم الهی را نشر دهید... حال برای قاره اروپا ظهور یوم جدید و طبیعه تمدن حقیقی الهی است... قریباً نور الهی در همه جا نفوذ نمائید... طبق این بیان مقدس بهائیان فرانسه خود را مأمور نشر تمدن واقعی الهی یعنی دیانت بهائی دانسته و سه نخستین ندای هیکل اطهر حضرت مولای اهل بپناه ارواح العالمین لرمسه المقدسه فداء یکی از جوانان فرانسوی بنام ژان سون سی و چهار ساله بحول وقوه الهیه به جزیره محیط اعظم موسوم بتابیت Tabtit که بنام بهشت

معروف و از مستعمرات فرانسه بوده مهاجرت نموده است و نام او در لوحه افتخار مثبت گردید. مشارا الیه پس از اینکه موفق به تشکیل محفل در آن جزیره گردیده بجزیره دیگری مهاجرت فرمود.

حضرت عبدالبهاء در یکی دیگر از خطابات اهالی پاریس رایتین بیان قدسیه مقننه فرموده: قوله العزیز: ترجمه "با وجود اینکه پاریس در خواب غفلت است ولی بعد ها بیدار و زنده خواهد شد زیرا من این شهر شبهای متعددی تا صبح نخفتم و بتضرع و زاری از ساحت قدس کبریائی رجا نمودم که ابواب تائیدات غیبیه و تموجات روحانیه خویش را بر اهالی این شهر گشاید...". همچنین در خطابه دیگری بیانی بدین مضمون میفرمایند قوله الاحلی: ترجمه "هرگز صحبت هائی را که در پاریس بشما تذکر داده ام فراموش ننمائید - من از شما رجا میکنم مگذارید مادیات بر شما مستولی گردد و از ستر غفلت و نسیان مادیات بیدار شوید - اسیر ماده نباشید بیدار شوید آزاد شوید زنجیر اسارت ماده را بگسلید زیرا حیوان اسیر ماده است ولی انسان بر اثر اراده قویسه الهیه آزاد گردیده و اشرف مخلوقات شده حیوان نمیتواند از قید ماده رهائی یابد ولی انسان بر اثر قدرت روحانی از حدود ماده گذشته و برتر از آنست. اگر کسی را دوست دارید با محبت

## آهنگ بدیع

گردیده هم از نیرزمانی جمعیت بهائی تشکیل شده و فعلا محفل مقدس روحانی تشکیل گرفته در شهرهای اورلئان - نیس - مونت بلیه و غیره هم محافل محلیه وجود دارد .

پس از جنگ دوم جهانی و انقلابات نژادی و نتایج حاصله آن احباء متفرق گردیدند در این هنگام طبق دستور مولای بیهمتا محفل - مقدس روحانی ملی بهائیان امریکانقشه هفت ساله ای جهت برقراری نظم بدیع در اروپا طرح و پسر از تصویب هیکل اطهر شروع به اجرا گردید رفته رفته بر اثر نشر نفعات و عبور و اقامت مبلغین امریکائی تعداد نفوس بهائی فرانسوی زیاد شد بقسی که حضرت ولی امر اله موافقت فرمودند محفل ملی بهائیان فرانسه تشکیل گردد . در سال ۱۹۵۵ هم حظیره القدس ملی بهائیان فرانسه در پاریس خریداری گردید و حسب الامر هیکل اطهر نخستین انجمن شور روحانی بهائیان فرانسه در سال ۱۹۵۸ در حظیره القدس تشکیل و یکی دیگر از اعمده محکمه بیت العنل اعظم انتخاب و مشغول انجام وظیفه روحانی خود گردید و امر در این کشور رسمیت یافته و در روزنامه های رسمی دولتی نیز درج شده احباء فرانسه با اهمیت و قاطعیت تعالیم مقدسه این ظهور اعظم کمالا واقف و آگاه میباشند و همواره این بیان جمال ابهی را نصب العین خود قرار داده اند ترجمه - قوله العکیز " هر نفسی بر نصرت این امر قیام نماید خداوند او را بر هزاران - نفوس غالب سازد و اگر عشق او افزون گردد - ما او را بر هر چه در آسمان و زمین خلق شده فاتح خواهیم ساخت .

مواعید مقدسه الهیه و ادعیه مرکز میثاق انصاف خود را بخشیده و بعضی از فرانسویان آتش کینه های نژادی و راکسیسم را که از نیرزمانی

بقیه در صفحه ۱۶۹

پی آلیش و پی حد دوست داشته باشید لله و فی الله دوست داشته باشید . هر که حامل امانت الهیه است با او محبت نمائید چه از کشور شما باشد چه از نژاد شما باشد چه از حزب شما باشد یا نباشد در این صورت قدرت الهی ناصر و ظهیر شما خواهد بود بدین طریق بنده واقعی خدا هستید و خدا نزدیک شما به عالم انسانی محبت نمائید - هرگز این را فراموش ننمائید مگوئید این ایطالیائی است و من فرانسوی دیگری انگلیسی و آن یکی آمریکائی بجز اطفال خدا و بندگان خدا چیز دیگری نه بیند - ملیت را فراموش نمائید زیرا افراد انسانی در پیشگاه الهی یکسانند این بسیار مهم است فراموش ننمائید . . . . .

چند سال بعد یعنی بعد از وقوع جنگ بین المللی ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ چشم و گوش بعضی از فرانسویان باز شد و دانستند که چرا حضرتش باین اصرار میفرمودند " این مهم است فراموشش ننمائید " در زمان جنگ مذکور بر اثر تضییقات و گرفتاریهای گوناگون احباء فرانسه یا صعوبت نموده و یا تدریجا متشتت گردیدند معذک بر اثر خدمت و فعالیت عده از احبای از جان گذشته مراکز امری تعطیل نشد و امر الهی بشهر لیون که بفرموده مولای روف بقلب فرانسه معبروف گردیده نفوذ یافت .

در این شهر ماد مازل میروت که هنر پیشه و آرتیست بود بامر مبارک تصدیق نمود این نفس مقدس پس از اقبال بامر باروحی جدید و کمالا منقطع و عرفانی عمیق به تبلیغ امر الله مشغول گردید و هم اکنون به تبلیغ و نشر نفعات الله مشغولند از احباء لیون که بوسیله ایشان موفق بتصدیق امر الله گردیده اند جناب های روك و خانمشان - آقای شنزو - خانمشان و جمعی دیگر میباشند .

در شهر مارسیل نیز که بقدم مرکز میثاق مزین

از : اقدسی شهراری

ای دوست عشق که جهان را رها کنیم  
چیف است عمر بر سردنیا چسبیم  
در رهگذار مظلوم حیرت چراغ عشق  
افروخت دست حق که جهالت رها کنیم  
دنیا نبرد آنگه ز راه صواب غسل  
بیرون نهم پای و سودا خطا کنیم  
فانی است این جهان و همه جلوه های او  
بهر چه عمر بر سر گسار نماند

در رهگذار اسیر خروشان حادثیات  
کی شرط عقل هست که منزل بنا کنیم  
از بس بخت خاسته درین ما رقیب  
شکل بیعت خوشتن آخر وفا کنیم  
بهر نجات خوش ز دام هوای نفس  
دست دعا بلند بسوی خدا کنیم  
در کارگاه دیده خیال تسو می کنیم  
نقش بر آب و آینه بر جلا کنیم

در استماع موعظت بیسر می فروش  
بر خیر اقدسی که خروشی بیا کنیم

# سخن چید با ارباب علم و هنر

منقبت و منزلت علم و فنون در عصر حاضر  
که قرن سطوح انوار علم و دانائی است بر هر ذی  
شعوری روشن و هوید است . امروزه در ممالک  
تمدنه جهان وجوه هنگفتی بمنظور مطالعات  
علمی اختصاص یافته سال بسال بر تعداد مدارس  
و دارالفنون ها و دانشگاهها افزوده میشود و  
بهمان نسبت بر عده متخصصین و متفنین در  
رشته های مختلفه علم اضافه میگردد سالی  
نیست که چند کشف مهم و اختراع مفیدی بمنصه  
ظهور و بروز نرسد بطور خلاصه بجزرات میتوان  
گفت که در هیچ عهدی و عصری علم باین پایسه  
از تکامل و پیشرفت نبوده و این موفقیتها از مزایا  
و مختصات این دور اعظم نورانی است .  
در امر مقدس بهائی دیانت عصر جدید که  
هادی و راهنمای بشر در این قرن انور بسوی  
بلوغ و کمال است مرتبت علم و عظمت مقام علماء  
باعلی درجه مورد توجه قرار گرفته است .  
جمال اقدس ابهی اهل بهاء را بتحصیل  
علم نافع و اشتغال بحرف و صنایع مفیده ماموروا

دکتر باهر قزاقی





## آهنگ بدیه

مختلفه فرضیه و تئوری و تجربه گذشته و به نبوت کامل رسیده باشد .

۳ - بر اساس همین تعلیم مبارک باید توجه داشت که علم و فنون هنگامی میتوانند برای عالم بشریت مفید واقع شوند که در ظل دین و توأم با فضائل انسانی باشند والا نه فقط اثر و ثمری از نظر رفاه و آسایش اهل عالم بر بآنها مترتب نخواهد بود بلکه احتمالا موجب انحطاط و اضمحلال بشریت نیز خواهند شد .

جرج سارتن ( ۲ ) در کتاب خود بنام سر گذشت علم باین مسئله اعتراف میکند " دانش بخودی خود ارزش ندارد و ارزش آن نتیجه رابطه آن با عوامل دیگر است ممکن است آنها مانند نیروهای دیگر در راه ناروا بکار برد در این صورت نیروی اهریمنی و خطرناک خواهد بود ."

عالم بشریت تجارب بسیار تلخی از تمسک به اصول علمی در خارج از حیطه و اقتدار دین دارد . فلاکت و ادباری که خاص تمدن عصر حاضر میباشد - شکست فاحشی که باعث اعتراف مصلحین قوم دامنگیر مدنیت ظاهره امروزی - گردیده و بالاخره خرابی و اضمحلال قریب الوقوعی که در انتظار نظامات فاسده منحطه کنونی عالم است همه و همه نتیجه انهماک در علم مادیه و انحراف از حقایق معنویه - است و چون این مسئله یکی از مسائل بسیار روشن و بدیهی است از تفصیل کلام در این مقام خود ناری میشود .

۴ - حضرت بهاء الله میفرمایند :

و مبادی روحانی نقص و تصور را متوجه معلومات علمیه سازند نه موازین الهیه . چه که از طرفی باعث اعتراف ارباب بصیرت دایره علم محدود بوده و از طرف دیگر بشهادت تاریخ چه بسا از مسائل که در کتب مقدسه الهیه در هر دوری برخلاف آراء و عقاید علمی موجوده وارد و با گذشت ایام صحت آنها و بطلان - بعضی موازین محدود و علمی اثبات گردیده - است . امروز نیز بسیاری مطالبی که هنوز در مرحله فرضیه و تجربه بوده ولی افواه ناس و حتی در مدارس بعنوان اصول و مبانی علمی معرفی و تدریس میشوند بدیهی است اینگونه - مطالب علمی را که هنوز از کوره امتحان رو سفید بیرون نیامده اند نمیتوان مورد اعتنا و اعتماد قرار داده موازین دیانتی را با آنها سنجید متأسفانه در جامعه بظاهر تمدن امروزی - انحراف از حقایق روحانی و انهماک در علم مادی بحدی شایع گردیده که حتی جوانان که در مراحل ابتدائی علم گام بر میدارند صرفا با فرا گرفتن چند فرضیه و فرمول پشت پا بجمیع اصول معنوی و معتقدات روحانی زده و میسل دارند کلیه مسائل را با وسایل علمی بسنجند غافل از اینکه بگفته سر جمس جین ( ۱ ) حقایق نهائی عالم وجود در خارج از حدود علم کنونی قرار دارند .

بدیهی است جوانان عزیز بهائی که از سر چشمه صارف الهی سیراب میباشند توجه کامل باین نکته دارند که آن علمی که اهل بهاء مامور به انطباقی اصول دیانتی با آن هستند علم واقعی و کامل و حقیقی است که از مراحل

استاد کرسی تاریخ علم در دانشگاه معروف هاروارد که در سال ۱۸۸۴ در بلژیک متولد و آثار مهمی در زمینه های تاریخ علم و تاریخ تمدن دارد

فیزیک دان مشهور انگلیسی که تالیفات متعددی در مسائل فلسفی و علمی دارد .

"اصل کسل العلم" و عرفان الله جل جلاله  
این حقیقی است که برای ما از نظر ایمان و اقبال  
که به بیانات مبارکه و کلمات الهیه داریم قابل  
تردید نیست ولی امروزه همین مسئله در تاریخ علم  
نیز مورد اعتراف قرار گرفته است و شهادت علمای  
منصف کمتر کسی از نوابخ و دانشمندان حقیقی که به  
کشفیات و اختراعات در عالم علم و فنون مفتخر گردیده اند  
از عرفان الهی و تبعیت ادیان الهی محروم بوده  
اند. بلکه کلیه آنها در رزمه متالین و متدینین  
بوده اند به علاوه شهادت تاریخ ادیان مقدسه  
الهیه بزرگترین کتاب الهی و انبیای مقدسه  
الهیه از پیشروان حقیقی علم بوده اند علی الخصوص  
در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است یکی از  
تعالیم مبارکه انطباق دین با علم بوده و آثار و  
الواح مبارکه مشحون از حقایق عالییه الهیه است که  
در یک قرن گذشته بر عالمیان ارائه شده است.

الواح حکمت و طب را که اثر اعانه مقدسه جمالی  
اقدس الهی صادر گردیده اند بخاطر بیاورید - مفاوضا  
مبارکه حضرت عبدالبهاء را که کل حاوی حقایق  
عالیه علمیه است در نظر بگیرید الواح تربیتی  
حضرت مولی الوری - انذار (وجود قوه عظیمه که هر  
گاه بدست نفوس مادی فرورماید افتد قادر بر انهدام  
کل ارض خواهد بود) بوسیده حضرت عبدالبهاء  
و دهها نظایر آنها همه شاهد و گواه این مدعای  
باشند - بسیاری از این حقایق اساسیه که در قرن  
گذشته توسط این مظاهر مقدسه بیان گردیده -  
امروز در عالم علم و فنون بتحقیق پیوسته و بقیه  
نیز در آینده ایام که استعداد بشر برای درک  
حقایق اشیا بیشتر شود برای عالم انسانی  
مکشوف خواهد شد.

ه - دانشجویان عزیز بهائی و صاحبان علم و هنر  
باید همواره بخاطر داشته باشند که بهائی بوده  
و منتسب بجامعه عظیم الشانی هستند که صیت  
و اشتهار آن در قارات خمسه عالم بهمنان آسمان

رسیده است. آنان باید باین نکته متذکر باشند  
که فقط بخاطر ترقیعات فردی و شخصی و یا تأمین  
رتبه و مقام و جمع مال و منال تحصیل نمیکنند  
بلکه نقطه نظرگاهشان خدمت بعالم انسانی و تأمین  
آسایش و رفاه ابناء بشری است. شکی نیست -  
توجه دینی باین نکته در هر حال بهترین دلیل  
و راهنمای آنان در خدمات و اقداماتشان در زمینه  
حرفه و تخصص آنان خواهد بود. بهر صورت باید  
توجه داشت که مراتب و مقامات علمی هر اندازه هم  
عالی و بلند پایه باشند زمانی توأم با افتخار و مباحث  
خواهد بود که در راه خیر و سعادت و آسایش و راحت  
جامعه انسانی مصرف گردند.

۶- توجه باین نکته بیش از همه ضروری است که  
مبادا پیشرفت در علم ظاهره و کسب مقامات عالییه  
خدای ناکرده کوچکترین نشانه ای از تکبر و خود پسندی  
در دانشجویان عزیز محترم و صاحبان علم و هنر  
بوجود آورد. جوانان عزیز شایسته است برای -  
فرار از دستاین دیو شیطانی که خود پسندی تمام  
دارد همواره بر خضوع و خشوع خویش در بین  
بیگانه و خویش بیفزایند بطوریکه هر اندازه بر  
مراتب فضل و کمال و علم و مقام آنان افزوده گردد  
بهمان درجه خلوص و فروتنی از آنان بیشتر مشهود  
شود و این حالت در حیات عائله - در اطاعت از -  
پدر و مادر - در محاشرت با دوستان و آشنایان -  
متجلی و نمایان گردد.

۷- اگر در زمینه های علمی پیشرفتی حاصل میکنند  
یا در مراتب علمی افتخاری کسب مینمایند بشکرانه آن  
از روی کمال خلوص و وفاداری در ایفای وظیفه  
و ادای دینی که نسبت بجامعه محبوب خویش دارند  
از خدمات امریه استقبال نمایند لا اقل بهمین -  
اندازه که صرف مطالعات علمی میکنند بهمین  
اندازه هم در مطالعات امری استمرار جویند همان  
طور که برای حل مشکلات علمی تلاش مینمایند -  
برای رفع معضلات روحانی هم جهد فرمایند همچنانکه

## آهنگ بدیع

بقیه سخنی چند با ارباب علم و هنر

... اوقات خود را وقف خدمات علمی میسازند  
ساعاتی را هم بمنظور خدمت در اختیار تشکیلات  
امری بگذارند .

در خاتمه امیدواریم اهل‌بها - جوانان عزیز  
قرن ابی و ارباب دانش و ده‌ها بمصدق بیان  
مبارک حضرت عبدالبها : " در جمیع علوم  
و فنون سر حلقه دانایان گردند و کوس علم و  
دانش را در اوج اعلی زنند " و با کسب معارف  
الهی و معلومات علمیه در کشف حقایق اشیا  
و خدمت بحالم انسان مشار بالبنان گردند .

شهریور ماه ۱۳۳۹

بقیه مقصدا ز خدمت با مرالله

... و اهداف عالی‌ه این ظهور امنع اقدس  
اهلی اطلاع یابیم و سپس بکمال خشوع و -  
افتادگی و بدون تظاهرو انتظار یاداش و بسی  
آنکه ناظر بحناوین والقاب و مراتب و مقامات  
و یا طالب نام و نشان باشیم فقط با امید کسب  
رضای دوست و محبت جمال او بر عبودیت  
آستانش و خدمت بامر نازینش قیام کنیم  
و همواره به تائیدات و عنایات  
موفوره حضرتش دلخوش و مطمئن باشیم . انتهی

طهران - مرداد ماه ۱۳۳۹

اخیرا از جانب شخصی موسوم به حضرت

عبدالبها امید و سعادت بمن روی نموده

در آثار مبارکه حضرت عبدالبها و پیام آسمانی

والدشان حضرت بها الله مکنونات قلبی

و اشتیاق واقعی خویش را نسبت بفهم

حقیقت دیانت یافته‌ام شما نیز اگر

اسم بهائی یا بهائیان را که

در امریکا معروف اند بشنوید خواهید

دانست کیفیت چیست اینک

منتها مقصود من بیان این حقیقت

است که این کتب مراما فسوق

تصور تشجیع نموده وقت -

داده است و حال باقلبی مملو

از امید و اطمینان هر روز حاضر

مرگرا استقبال کنم ولی از

بارگاه الهی مسئلت

نموده ام هنوز روح مرا

قبض ننماید تا بتوانم بر

انجام بسیاری از

امور موفق گسردم

علیا حضرت ملکه ماری

Baha'i tror  
på världsfred,  
enad mänsklighet



Baha'i-förkunnaren  
Mehr al Khani

— Materiellt och vetenskapligt är vår värld i dag en värld av vuxna, och vi kan gott kalla nutidsmänskan en "atomjätte". Men känslomässigt och andligt är vi en hop barnungar som har svårt att förstå varandra och nå kontakt på grund av okunnighet och själslig omognad. Vi behöver en högre moralisk standard och en lojalitet som inte begränsas av rasfördomar och olika religionsskrankor.

Han är perser och heter Mehr al Khani, Baha'i-förkunnaren, som inbjuden av Baha'i-samfundet i Helsingfors f.n. är på besök i staden för att berätta om sin världstro. Där är han en övertygad optimist, ingen domedagspredikant eller förfäktare av världens undergång.

— Det är ingen ny religion jag förkunnar, säger han, men väl en pånyttfödd. En religion som får allt fler och fler anhängare. Redan för

hundra år sedan hävdade Bahá-ulláh att en enad mänsklighet skulle vara den mänskliga utvecklingsprocessens fullbordan. I dag, i skuggan av staplade atombomber, är nu denna fråga om hur vi någonsin skall uppnå världsfred eller om vi bara passivt skall vara åskådare till vår civilisations undergång, ännu mera brännbar än tidigare.

— Baha'i-läran som har anhängare överallt i världen, tror på en enande kraft. Jorden är endast ett land, mänskorna dess medborgare. Men så länge mänskorna inte kan komma överens, kommer ingen sak av betydelse att kunna lösas tillfredsställande. Därför måste mänskan, den enskilda individen, börja med att fostra sig själv, sitt sinne och sitt andliga jag. Då fredens politiska sidor inte kan skiljas från frågan om mänskornas inbördes förhållande, kräver Baha'i-läran en utveckling av ett världssamhälle i årrott och nationer bibehåller sin individualitet, men låter sina egna speciella intressen vika för hela mänsklighetens bästa.

Baha'i grundar sig på tolv läro-satser eller principer där de sociala synpunkterna på mänsklighetens enhet, sanningssökandet och principen om att alla religioners grundval är densamma hör till de mest framträdande. Religionsfrihet är av omdö, likaväl som rasförbjudelse och po-

litiska- eller patriotiska fördomar. Religion och vetenskap måste gå hand i hand. Slutligen tyvar Bahais för ett internationellt hjälpspråk som skulle undervisas i världens alla skolor, så att var och en skulle klara sig överallt med två språk: sitt moder-språk och det internationella hjälpspråket. Även en internationell domstol ingår i principerna.

Kort och gott: världens enighet är målet, en fri världsstat, i vilken alla nationer, raser, trosbekännelser och klasser är förenade. Medlemsstaternas självstyrelse, likaväl som mänskornas personliga frihet och initiativ, skulle dock vara skyddade.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

خاطرات سفر شمال اروپا (۲)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

روح الله مهرا بخانی

باجرائدی که در تمام این ممالک تماس گرفته شد همه آنها با آنکه غالباً نام امر نیز بگوشان نرسیده بود معذک احترام شدیدی نسبت بتعالیم الهی قائل شدند و در تمام این مدت ۱۸ روزنامه که غالباً از جرائد اساسی شهرهای این کشورها بودند مقالات بلیغی نسبت بامر مبارک نوشتند. و در تمام این مقالات که تحت عنوانی از قبیل " زبان عمومی در پروگرام دیانت جهانی " و " دیانت جهانی راهی بسوی وحدت روی زمین " و " بهائیان بصلح عمومی و وحدت بشر معتقدند " و " نقش ده ساله برای یک دیانت جهانی " و " دیانت بهائی دنیا را متحد میکند " منتشر میشد اصول اساسی امر مندرج میگردد و جامعیت و عمومیت امر الله اقرار میشد فیصله ترجمه مقاله دوشماره از آن جرائد را که یکی در هلسینکی پایتخت فنلاند و دیگری در کپنهاگ پایتخت دانمارک منتشر میشود نقل مینماید :

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

( بهائیان بصلح عمومی و وحدت بشر )

معتقدند

+++

" دنیای ما از نظر علمی و مادی امروزه یکدنیای بالغ و کاملی بنظر می رسد و ما میتوانیم با آسانی بشر را پهلوانان اتم بخوانیم ولی از نظر روحی ما فقط یک مشت اطفال نابالغی هستیم که حتی قادر بسدرک مقاصد یکدیگر نمیشیم و قادر بزندگی بی دردسر با هم نیستیم و این بسبب ضعف قوای روحانی ما است. ما محتاج اخلاق عالیتر و روحانیست بیشتریم ما محتاج یک حس شدید نوع پرستی هستیم. محبت بنوعی که از حدود تعصبات جنسی و تناسلات

دینی فرائر باشد.

این تسمی از نطق يك ناطق ایرانی است که بنا بدعوت جامعه بهائیان فنلاند وارد شهر هلسینکی شده تا درباره دیانت جهانی با ما سخن گوید او يك ناطق معتقدی است که با اطمینان سخن می گوید او يك واعظ برای روز قضاوت و جزا نیست و ما را از خرابی دنیا و رسیدن جهان به انتها نمی ترساند.

او درضمن نطق خود گفت " این يك دین تازه نیست که من شما را بدان میخوانم بلکه من شما را به تجدید حیات دینی و بهار روحانی میخوانم به دینی که پیروان آن روز افزونند."

صد سال پیش، بهاء الله اعلان کرد که اتحاد بشر مرحله نهائی بلوغ و کمال اجتماعی بشر است ولی امروز در سایه بمب های روی هم انباشته اتی آیا ما میتوانیم منتظر صلح عمومی باشیم و یا انتظار خرابی جهان و سوختن تمدن کنونی در آتشی سوزنده تر از سابق را داشته باشیم.

مهرابخانی گفت : دیانت بهائی که در تمام جهان پیرو دارد ما معتقدیم که دارای يك قوه اتحاد بخش است دنیا و وطن واحد است و من علی الارض اهل آن ولی تا وقتی که افراد انسانی قادر بزندگی آسوده با هم نباشند هیچیک از مشکلات مهم جهانی حل نخواهد شد اینست که ما باید از افراد شروع کنیم و هر يك در صدد اصلاح خود برآئیم از آنجائیکه جنبه سیاسی صلح عمومی را از جنبه داخلی افراد و ارتباط خصوصی افراد با یکدیگر نمی شود جدا کرد لذا دیانت بهائی در صدد ایجاد يك جامعه ایست - جهانی که در آن جامعه ملل و افراد در -

عین حفظ فردیت و شخصیت خود از قسمتی از - منافع خود برای نفع جامعه عمومی صرف نظر نمایند.

دیانت بهائی دارای ۱۲ اصل است که مهمترین آنها از نظر اجتماعی وحدت بشر است تحری حقیقت و اصل دیگر که میگوید اصول ادیان الهی یکی است و اینکه منازعات دینی نتیجه افکار شیطنانی است همچنین اند منازعات جنسی و وطنی . دین و علم باید دست در دست هم دیگر پیش بروند . بالاخره بهائیان مشتاق ایجاد يك زبان بین المللی اند که باید در تمام مدارس تعلیم شود و همه قادر بصحبت بدان شوند . در طی اصول بهائی حتی يك محکمه عمومی پیش بینی شده است .

خلاصه : مقصد يك دنیای متحد است يك حکومت جهانی آزاد که در آن نژادها سطل اجناس و طبقات و فرق متحد شوند در حالیکه استقلال افراد و اعضای این اتحادیه جهانی و آزادی افراد و اعضا در آن تضمین شده است . ( روزنامه هوف وودز تا در بلاد دهم اکتبر ۱۹۵۸ )

روزنامه دیگر ( :

" دنیا وطن واحد است و من "

" علی الارض اهل آن "

فردا پنجشنبه مهرابخانی ایرانی درباره دیانت جهانی بهائی در ( بشون بیوستر سالن جوانان شهر ) صحبت خواهد کرد ایشان در طی پانزده ماه مسافرت خود در - ممالک شمالی و اسکاندیناوی دیانت بهائی را - اعلان و در تمام این ممالک در مجامع و میتینگ های عمومی صحبت کرده اند و دیانت بهائی را در شهر ها سوئد و نروژ و فنلاند و ایسلند و اخیرا در دانمارک بمردم معرفی نموده اند یکصد سال پیش نهضتی در ایران شروع

شد نهضتی که برغم صدمات و کشتارهای شدید حال مراکز خود را در ۴۵۰۰ محل و در ۲۵۴ مملکت استقرار بخشیده است .

بهاء الله که معنی آن جلال خداوند است موسس دیانت بهائی است که در سال ۱۸۶۳ خود را بعنوان مظهر الهی برای عصرها معرفی نمود و تمام عصر خود را در زندانها و تبعیدگاهها بسر برد ولی با این همه مشکلات کتب زیادی بجا گذاشت و تعالیم خود را در آن کتب تشریح فرمود .

بهاء الله جمعی از سلاطین روی زمین را که عبارت بودند از سلطان انگلستان - فرانسه - روسیه - اطریش - ترکیه - ایران و ممالک متحده امریکا مورد خطاب خود قرار داد و بالاخره آنها را از مصیبتی که آینده بشر را تهدید میکند آگاه فرمود .

حال دو ملیون بهائی در سطح ارض قرار دارند که معتقد به وحدت بشر میباشند. آنها نه کشیش دارند و نه کلیسا و نه تشریفات کلیسا ولی دارای مبدعهای هستند که معتقدین تمام ادیان میتوانند بدان محاسبه آمده عبادت خدا نمایند .

اصول دیانت بهائی عبارتند از :

- ۱- وحدت بشر ۲- تحری حقیقت ۳- اساس ادیان الهی یکیست ۴- دیانت باید موجب الفت بین بشر باشد ۵- دین باید موافق عقل و علم باشد ۶- تساوی حقوق رجال و نساء ۷- محو تعصبات ۸- صلح عمومی ۹- تربیت عمومی ۱۰- حل مسئله اقتصاد ۱۱- زبان عمومی ۱۲- محکمه عمومی .

مهرابخانی گفت : " بهائیان عقیده ندارند که مشکلات امروزه بشر مرتفع شود و اوضاع جهان بسر منزل راحت حقیقی برسد مگر بتائید الهی و قوه کلمه الله . هزاران سال نوع بشر

در طی پیشگویی های پیغمبران و پیش بینسی های فلاسفه زمان انتظار روزی را کشیده اند که در آن روز جنگها متوقف شود و مشردر صلح و آرامش دائمی بسر برد . ما امروز در عصری زندگی میکنیم که وسائل مادی این صلح و سلام فراهم شده ولی آنچه باقی است و ایجاد وسیله روحانی است که ما فاقد آنیم يك قوه روحانی که در اعماق روح و قلب بشر نفوذ نماید و آنها را دور هم گرد آورد . تا وقتی که ما فاقد این وسیله ایم اوضاع عالم انسانی بهتر از این نخواهد شد . بهائیان معتقدند که این وسیله روحانی که فقط بوسیله مظاهر الهی در هر عصر و زمان ظاهر میشود در عصر ما فراهم شده و بوسیله حضرت بهاء الله در جهان نفوذ یافته است .

دیانت بهائی يك فرقه مذهبی نیست و نه يك ایده فلسفی بلکه يك دیانت جهانی که ادیان و مذاهب را با هم متحد مینماید و يك جامعه عمومی خلق میکند . جامعه ای که در آن همه ادیان و طبقات و نژادها و ملل و عقائد متحد خواهند شد در حالیکه استقلال داخلی هر دولت و ملی بهمین اندازه - استقلال و آزادی اشخاص حفظ خواهد شد .

مهرابخانی در يك میتینگ عمومی فرداشب ساعت ۸ نظر دیانت بهائی را درباره حل مسائل جهانی شرح خواهد داد نطق ایشان بانگلیسی خواهد بود ولی ترجمه خواهد شد . (روزنامه بشون بی استر زادیس ۱۸ فبرواری ۱۹۵۹)

در اروپا وضع تبلیغ خوبی است و شخص تازه وارد بنکاتی برمیخورد که در ایران چنداً عادی نبوده است . مردم اروپا بدسته های عدیده از نظر عقائد خود منقسمند که از نظر افراط و تفریط بنیابت از هم دورند .

اول متدینین اروپا هستند که در راس آنها

## آهنک بدیع

فرقه‌ای هستند بنام (گواهان یهوه) که حرارت و فعالیت عجیبی دارند و فعالیت ها و نطق‌های آنها شهرها را بلرزه درمی آورد افراد آن - به درخانه های افتند و چون در منزلی برویشان باز شود پای خود را میان شکاف در گذاشته اصرار میورزند که صاحبخانه بحرف آنها گوش - دهد وگرنه در آتش جهنم خواهد سوخت .  
اصولا درین تمام فرقه های مذهبی اروپا کسانی که مستعد تعالیم الهی باشند موجودند که قید عقاید خرافی دو هزار ساله را که بتدریج بشریعت‌الله بسته شده و یا بعضی دستورات شریعت قبلی که حال قابل اجرا نیست چندان آنها را خسته نموده که در هر جا ناله و فریاد هزارهاتفر بلند است .  
در بعضی از ممالک اروپا کلیسا خرافاتی را بین مردم رایج نموده و کار شریعت‌الله را چنان به بتپرستی کشانده که حیرت انگیز است .  
در اسپانیا در روزهای مخصوص مجسمه های بزرگ عیسی <sup>مزمز</sup> را در حالیکه بر روی تخته ای قرار داده اند و مردم روی شانه حمل میکنند در کوچه و بازار با تشریفات مخصوصی حمل میکنند . کلیسا مجسمه های کوچک مریم را ساخته و برکت داده که خانواده ها آمده آن را بعنوان مهمان به منزل میبرند و چندی از او نگاهداری کرده و هر روز در مقابل آن مجسمه زانو زده آنرا پرستش مینمایند و پس از انقضای مدت آنرا بکلیسا بر گردانده پولی میدهند و غالباً برای مریم احترام بیشتری قائلند . و رادیوی کشور در ضمن انجام مراسم دعا تکرار میکند که ای مریم مقدس - مادر خدا گناهان ما را بیامرز . . . و . . . در این کشور ۲۸ میلیون جمعیت زیست مینمایند که دو میلیون آن کشیش و روحانی و راهب و راهبه میباشند . در بعضی شهرها درست در جوار خیابانهایی که از مظاهر تمدن امروزه و آزادی -

کاتولیک هاترار دارند و در بعضی از ممالک اکثریت قریب بافتنی را تشکیل میدهند اینها طبق دستورات دینی غالباً از خواندن کتب امری و شنیدن مطالب بهائی ممنوعند و عقائد خود را بصرف تقلید و تقلید قبول دارند این دسته در باره تنبیر دین اصولاً کمتر میتوانند فکر نمایند و دین را یک امر غیر قابل تغییر و تبدیل تصور میکنند . در اوقات اقامت اطریش همسایه ای - داشتیم که خانواده شریف و متدینی بودند با این خانواده غالباً صحبت میکردیم و آنها را به جلسات بهائی می بردیم و هر وقت از جلسه ای بر می گشتیم در تمام طول راه از خوبی جلسه صحت مطالب ناطقین صحبت میکرد و حتی میگفت چقدر دین شما خوبست ولی دین ما خراب است فاسد است . ولی ما فهمیده بودیم که تعریفی که وی از دین ما میکند شبیه بدان است که فی المثل از خوبی فرم و بارچه پالتویی که نگارنده بتن دارد تعریف کند و از کهنگی پالتوی خود شکوه نماید منتهی با یقین باینکه پالتوی من متعلق بمن است این چیزی نیست که او بتواند از آن استفاده نماید . در همان کشور با خانمی ملاقات کردم که بچه ه ساله ای داشت و شوهرش مرده بود از او از عقیده اش پرسیدم خانم فرقه ای را که بدان تعلق داشت اسم برد سپس به صفت خود اشاره نموده گفت ولی او فرقه دیگری بستگی دارد چون اظهار تعجب کردم گفت چکم پدر او که فوت کرده بدان مذهب تعلق داشته و حال از عهده من بیرون است که طفل را بمذهب خود در آورم . کلیسای کاتولیک به بیروان خود در صورتی اجازه ازدواج با مذاهب دیگری دهد که طفل آنها حتما کاتولیک بشود یعنی تکلیف عقیده طفل را قبل از تولد تعیین میکند . فرقه دیگری که اخیراً در اروپا پیدا شده یعنی در قرن اخیر نضج گرفته اند

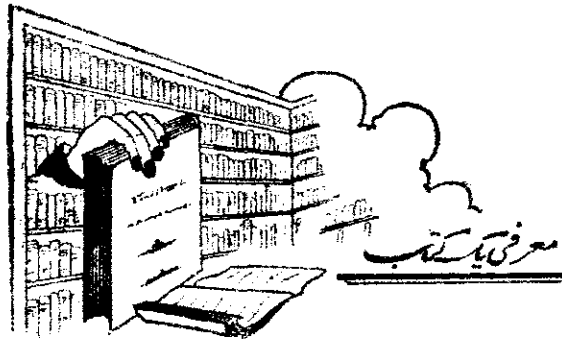


افراطی است دیرهای قلعه مانندی موجودند که عده ای از دختران معصوم بعنوان تارك دنیا در آنها زیست مینمایند و درهای آهنین آنها فقط برای بردن وسائل غذا باز و بسته میشود .

روسای دینی اروپا و کشیش ها حسب معمول روش خوبی نسبت باحبا و امر ندارند و - اعتراض آنها بدیانت بهائی از دو نظر است یکی از نظر نفس دیانت بهائی و مطالبه سب جدیده و دیگر از نظر اسلام و اینکه بهائیان مسلمین را برحق و رسول اکرم را پینمبر آسمانی میدانند و اگر در جلسه ای حاضر باشند بدون شک با اعتراض قیام مینمایند و چون حرف حساب ندارند غالبا بمجادله و مباحثات خارج از موضوع می پردازند و لسی سخن اینحاست که در ایمن قبیل جلسات غالب مبتدی ها بانوع صحبت آنها موافقت ندارند و برای اسکات آنها راهی جز توسل به روش الزام نیست . نگارنده از این قبیل جلسات که با حضور و اعتراض و حضرات واقع شده خاطرات متعدد دارد که بذکر یک دو خاطره مبادرت میورزد .

در دانتارک در جلسه ای بعد از اتمام صحبت و رسیدن وقت سئولات کشیشی بلافاصله برخاسته اعتراض نمود و گفت ما بجای این سخنان بدعت آمیز که افکار مومنین را منحرف میکند خواست فقط سخن از مسیحیت برانیم و عظمت کلیسا را در برتو نور علم جدیده قرار داده بسه کافرها و مسلمانها نشان دهیم . گفتم جناب آیا قبول داری که مسیحیت نیز چون موجود - زنده ای دارای روح و هیکل است که شما از آن بکلیسا تعبیر میکنید گفت آری . گفتم پس - حال قبول کنید که آن روح از هیکل مسیحیت - مفارقت نموده و آن چراغ از مدتی پیش در - چراغدان اسلام و سپس در بهائیت روشن شده

بعبارت دیگر مسیحیت زنده ای موجود نیست که بشود آنرا بدنیا نشان داد . از این سخن حال کشیش منقلب شد منتهی باروش ادبی که معمول اهل غرب است گفت شما بطور بخود اجازه میدهید که مسیحیت را مرده بخوانید گفتم تشخیص آن آسانست و ما از نظر علمی حتی در اصطلاح عادی برای زنده و مرده دو تعریف مشخص داریم جسی زنده و ارگانیک است که متابولیسم آن صحیحا انجام یابد و قوه جذب و تحلیل و ترکیب را دارا باشد عناصر را جذب و املاح را حل و هضم نماید از آفتاب نیرو بگیرد و بالاخره همیشه در رشد و نمو باشد و عکس آنست جسم غیر حی که نه تنها قادر بجذب نیست بلکه پیوسته رو به انحلال و تلاشی برود چون مسیحیت را با این تعریف تطبیق کنیم می بینیم روزی که مسیحیت چون کودک زنده ای متولد شد ملل و طوائف مختلف و متباین را در خود جذب و از ترکیب آنها به عظمت هیکل ظاهری خود می افزود و این قوه جذب بحدی بود که بنا بر آنچه در کتاب اعمال رسولان نوشته است در يك جلسه که پطرس حواری در باره مسیحیت صحبت نمود سه هزار نفر منقلب شدند ولی حال آن هیکل قوه جذب و هضم خود را از دست داده که آثار مرگ که عبارت است از سکون و تلاشی در آن آشکار گردیده مسیحیت به چند دسته تقسیم شده و هر سال عده زیادی در تمام ممالک مسیحی از زیر انقیاد کلیسا سراسر میزنند . حال با این مقایسه خود شما به بینید که مسیحیت با کدام يك از دو تعریف - مرده و زنده تطابق بیشتری دارد . سپس - برای او داستان مشهور شخص عربی را ذکر کردم که شتر او روزی افتاده مردولی عرب از کسرت محبت و نیز از فرط جهل و سادگی باور نینمود لذا در کنار شتر نشسته يك يك اعضای او را - بقیه در شماره بعد



### \*\*\* برهان واضح \*\*\*

شک نیست که برای هدایت نفوس مستعد و ابلاغ کلمه الله بآنان کتب و رسائل استدلالی اثر مہمی دارد. هزاران نفر بوسیله این مبلغین صامت بشاھراہ حقیقت هدایت شده اند. از جمله این کتب میتوان کتاب مستطاب ایقسان و کتاب فرائد و همچنین کتاب بہاء اللہ و مصرجدید تالیف نکر اسلمنت را نامبرد کہ تا کنون بہ بسیاری از زبانهای جهان ترجمہ شدہ و موجب هدایت عدہ کثیری از نژادھا و ممالک و ملیتہای مختلف در سراسر عالم گردیدہ است.

کتابی کہ مورد بحث ماست رسالہ برہان واضح است کہ جناب غلامرضا روحانی در سارہ معرفتی امر مبارک و استدلالات عقلیہ و نقلیہ بہ زبان سادہ جمع آوری و تالیف نمودہ اند.

نویسنندہ در این رسالہ برای اثبات حقانیت دیانت مقدسہ بہائی دلائل عقلی و نقلی از کتب امریہ و کتب مقدسہ ادیان گذشتہ کہ مورد اعتقاد پیروان آن ادیان میباشند آورده اند.

مطالب کتاب بہ ۱۹ مطلب و یک خاتمہ بشرح ذیل تقسیم شدہ است:

(مطلب اول) دین چیست و دینداران کیستند.  
(مطلب دوم) مذهب چیست و ملت انشعاب ادیان و پیدایش مذہب چہ بودہ.

(مطلب سوم) عقیدہ پیروان ہر یک از ادیان نسبت بسایر ادیان چیست. (مطلب چہارم) اعتقاد بہائیان نسبت بکلیہ ادیان چیست.

(مطلب پنجم) اقسام تعالیم ہر یک از پیغمبران و علت ارسال رسل در ہر زمان چہ بودہ.

### ✂ (ع . صادقان) ✂

(مطلب ششم) دستہ ای از مردمان کہ علاقہ و اعتقاد بدین ندارند کیستند و دلیل بر وجود خدا و حقانیت پیغمبران چیست. (مطلب ہفتم) فرستادگان خدا بدون وسائل و اسباب مادی پیشرفت کردہ اند.

(مطلب ہشتم) پیغمبران برہمہ طبقات مردمان - احاطہ و تسلط داشتہ اند. (مطلب نہم) وسایل و اسبابی کہ بشر بدون آن نمیتواند بانجام مقصودی نائل شود چیست. (مطلب دہم) ظہور حضرت موسی علیہ السلام.

(مطلب یازدہم) ظہور حضرت عیسی علیہ السلام.  
(مطلب دوازدهم) ظہور حضرت محمد رسول اللہ صلی الہ علیہ وآلہ وسلم. (مطلب سیزدهم) دورہ آخر الزمان و موعود جمیع ادیان. (مطلب چہاردهم) ظہور حضرت اعلی ارواحنا لظلومیتمہ الفداء.

(مطلب پانزدہم) ظہور حضرت بہاء اللہ جل اسمہ الاعلی (مطلب شانزدہم) مزایای تعالیم مقدسہ حضرت بہاء اللہ و اینکہ مطابق مقتضیات زمان و روح این عصر است. (مطلب ہفدهم) اخبار و اشارات کتب مقدسہ ادیان بد و ظہور اعظم در آخر الزمان.

(مطلب ہیجدهم) وحدت عالم انسانی و صلح عمومی بدون اجرای تعالیم حضرت بہاء اللہ تحقق پذیر نیست و جز در ظل دیانت مقدسہ بہائی برای اہل عالم نجات و فلاح میسر نہ خواہد بود.

(مطلب نوزدهم) در دیانت مقدسہ بہائی راہ تفرق و پیدایش مذہب بکلی مسدود است.  
خاتمہ - فہرست بعضی از کتب و آثار مہمہ دیانت بہائی.

یکی از مزایای این رسالہ سادہ بودن -

بقیہ در صفحہ بعد

بقیه برهان واضح

... مطالب آن است بطوریکه هرکس که مختصر سوادی داشته باشد میتواند بدون کمک دیگران از آن استفاده نماید. نویسندگ در آخر رساله خود چنین مینویسد - "شما ای خواننده عزیز تصور نفرما که این وجیزه ممکن است برای معارف دینی ظرف شایسته ای باشد و یا حتی اصول و ارکان دین کاملا در آن گنجانیده شده باشد بلکه این مختصر صرفا بمنزله کلید است برای کسیکه بخواهد در - عوامل دینی بیحث و تحقیق بردازد و در حکم مشوقی است که خواننده را بسوی مسنویات بکشاند و اگر همین اثر مختصر هم بر آن مرتب شود مقصود نگارنده حاصل و نگارنده را فوزیست عظیم"

احبای الهی و جوانان عزیز که سلما مشوق هدایت نفوس مستعده و طالبین حقیقت در سر دارند بخوبی میتوانند از این رساله که اخیرا در ۱۵ صفحه بقطع پستی تهیه شده استفاده نمایند و آنرا به سالکین سبیل ایمان برای مطالعه هدیه کنند.

بقیه چگونه بنویسم

... نوشتن که بنظر قاصد حقیر میرسد البته صاحبان ذوق و عقل و فکر سلیم بطمام موجبات و ضروریات تحریر و تشریرواقف و عاملند. مزید توفیقات دوستان عزیز خصوصا جوانان نازنین بهائی را از آستان الهی خواهانم.

۱۱۷ بدیع - تیرماه ۱۳۳۱

بقیه مدنیت حقیقی

... طرفی جنگهای جهانگیر بین المللی بر ملل عالم ثابت و مبرهن داشت که این مدنیت مادیه بشری علاوه بر آنکه به تنهایی سبب سعادت اهل عالم نبوده مغرب عالم بشریت و هادم - بنیان انسانیت گردیده و چنان اهل عالم را بوحشیگری و خونخواری سوق داده که در هیچ دور

و کوری بین هیچیک از قبایل وحشی روی زمین نظیر آن دیده و شنیده نشده است و مسلم گردیده که قوانین بشری و مردم های سیاسی و مدنیت های مادی نمیتواند جامعه بشریت را بشاهره سلامت و سعادت برساند و چون قوانین و شرایع عتیقه هم در این دور اعظم غیر قابل اجراء است و خونخود متروک گردیده است لذا اهل عالم را مفری نیست جز آنکه سر تعظیم و تسلیم در مقابل احکام بدیسه و تعالیم این امر اعظم فرود آورده و از این تعالیم مقدسه که مطابق روح عصر و مقتضیات زمان و تنها راه - سعادت عالم انسان و مدنیت حقیقی برای من فی الامکانست پیروی نمایند انتهی.

سیدغلا مرزا روحانی

بقیه نفوذ دیانت مقدس بهائی در کشور فرانسه

... در تلوشان جای داشته خاموش نموده و مشغول خدمت و جانفشانی در راه پیشرفت این آئین الهی میباشند و عده زیادی از آنان در نقاط بعیده و جزایر اقیانوس کبیر مانند ماداگاسکار گویان و غیره مشغول تبلیغ میباشند. اخیرا مهرانگیز خانم منصف عنندی بالباس رسمی کشور خود در اکثر نقاط و شهرهای مهم فرانسه در اطراف تعالیم دیانت بهائی کنفرانسهای رادیویی و تلویزیونی و عادی داد. در روزنامه های محلی نیز مقالات بسیار مهمی در اطراف تعالیم این امر اعظم و تاثیرات آنها در رفع گرفتاریهای اجتماع کنونی بشری درج و منتشر نموده که از هر جهت حائز کمال اهمیت می باشد.

آهنگ

بدیع و  
خوانندگان

و آثار قلمی ایشان استفاده نماید .

جناب همایونی مقاله ای که مشحون از احساسات روحانیه ایشان نسبت بامقدم سبهای است در اختیار آهنگ بدیع گذاشته اند جناب همایونی در این مقاله پس از شرح شمه ای از مصائب و بلاهای وارد بر حضرت رب اعلی و جمال اقدس الهی و مرکز میثاق امریها و غصن ممتاز دوحه بقا حضرت ولی محبوب امرالله چنین نتیجه گرفته اند که این فداکاریها و تحمل بلاها " بماتعلیم میفرماید که باید ره چنان رو که ره روان رفتند "

ذیلاً چند فقره از مندرجات این رقیمه مبسوطه برای تذکار خوانندگان گرام اشاره میشود :  
" . . . قدر مسلم اینست که بعد از تطهیر قلب از ماسوی الله اول و اقدم و ارجح امور تفحص در آیات بیناتست که باسمع قلب اصفا و ملکه خاطر گردد . . . مقصود اینست آیات را آیه به آیه تا مقصد از اولین آیه فهم دل و مرکوز ذهن نشود به آیه بعدی - نپرد ازیم . . . لازمست قوه مهمه تعقل و تفکر را بسا جان و روان غریق بحر محبت بی پایان حضرت یزدان کنیم و بهمین ترتیب اقتباس نور از آن بحر البحور نمائیم . . . این نکته نیز لازم التوجه والتدقیق است که اهمیت در ادامه آنست نه یکچند ترتیل و یکچند تعطیل امید است همه باین مواظ حکیمان که کل مقتبس از آثار الواح مبارکه است کاملاً دائماً عامل باشیم .

خانم فرخنده نصرت پور از مهاجرین عزیز امریکای جنوبی اخیراً نامه پرشوری مشحون از خاطرات شیرین تبلیغی و حاوی بشارات پیشرفت امر الهی در نیمکره غربی از آرژانتین ارسال و در آن جوانان عزیز مهسد امرالله را به هجرت در سبیل امر یزدان دعوت نموده اند - هیئت تحریریه آهنگ بدیع ضمن اظهار تشکر از این خادمه برآزنده امرالله که بکمال وفاداری از راه دور با ارسال بشارات امریه ما را محظوظ فرموده اند از آستان الهی خدمات جلیله در میدان تبلیغ و مهاجر برای آن خواهر عزیز روحانی مسئلت مینمایند .

جناب دکتر منوچهر روحانی مقاله مبسوطی در - خصوص کتاب مستطاب اقدس ارسال و در طی آن کوشیده اند با احساسات لطیفه روحانیه خویش اهمیت و عظمت این سفر کریم را تشریح و توضیح نمایند .  
نویسنده جوان در طی این مقاله اطلاعاتی در مورد تاریخ و محل نزول و القاب و عناوین مختلفه ایمن صحیفه علیا و کیفیت ترجمه و طبع این قسطاس الهدی و خطابیات مهمینه ای که در آن خطاب به ملوک و امرا و علمای درگدیده در اختیار خواننده گذاشته و - استنباطات خویش را درباره مقام حضرت بهاء الله و اهمیت میثاق بیسابقه امر اعزاسنی بیان داشته اند . آهنگ بدیع با عرض تشکر و امتنان بی پایان موفقیتهای روز افزون برای آن حبیب جوان روحانی آرزو مینماید .

جناب فریدون سلیمانی از جوانان عزیز و خدمت مدینه منوره طهران مقاله ای تحت عنوان تحری حقیقت از " بهائی نیوز " اخبار امری بهائیان امریک ترجمه و ارسال نموده اند - آهنگ بدیع از این جوان نورانی متشکر است و امید و آراست در آتیه نیز از ترجمه ها